



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



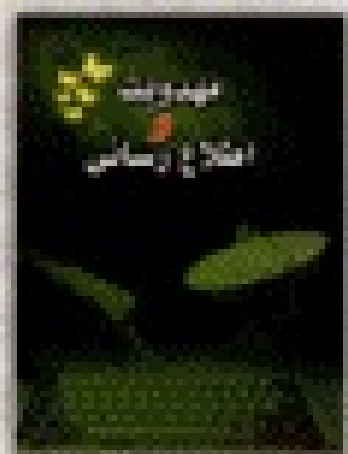
آیین‌های زیبایی‌ها



همراه با مقاله‌های:

- ✓ چشم‌انداز هنر و زندگی
- ✓ هویت و انتقال رسانه‌ای
- ✓ با تله‌ویژن و ...

مجله علمی-پژوهشی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه زیبایی ها: شناخت شناسی مهدویت

نویسنده:

محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آئینه ی زیبایی ها
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	مقدمه
۱۲	۱ - آئینه ی زیبایی ها
۱۲	اشاره
۱۴	آئینه ی زیبایی ها
۱۸	مودت امام مهدی علیه السلام
۲۱	راه چیست؟
۲۳	دو نکته
۵۱	چشم خدا می بیند
۵۳	۲ - «چشم خدا» می بیند
۵۳	اشاره
۶۳	یک وظیفه ی بزرگ
۷۱	۳ - مهدویت و اطلاع رسانی
۷۱	اشاره
۷۳	مهدویت و اطلاع رسانی
۸۱	اطلاع رسانی عرفانی
۸۸	۴ - ... با که و برای که بگویم!!
۱۰۲	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: آینه ی زیبایی ها

همراه با مقاله های چشم خدا می بیند، مهدویت و اطلاع رسانی با که بگویم..؟! / محمود بحر العلوم میردامادی

تهیه و تنظیم مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مشخصات نشر: قم: بهار قلوب، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.

فروست: سلسله مقالات شناخت شناسی مهدویت ۲.

شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۳۶۱۰-۹-۵؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ص. [۷]-۳۶. آینه ی

زیبایی ها - ص. [۳۷]-۵۴. چشم خدا می بیند - ص. [۵۵]-

۷۱. مهدویت و اطلاع رسانی - ص. [۷۳]-۸۷. با که بگویم!؟

موضوع: محمدبن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. مقاله ها و خطابه ها

موضوع: مهدویت-- انتظار-- مقاله ها و خطابه ها

رده بندی کنگره: ۹۲۹۳ م/BP۲۲۴/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۳۵۹۷۲

ص: ۱

آینه ی زیبایی ها

همراه با مقاله های:

چشم خدا می بیند

مهدویت و اطلاع رسانی

با که بگویم....؟

محمود بحر العلوم میردامادی

ص: ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

چهار مقاله ی «آینه ی زیبایی ها»، «چشم خدا می بیند»، «اطلاع رسانی» و «با که بگویم؟! ...» که پیش روی شما قرار دارد، مقالاتی است که در سفر نوشته ام. این مقالات بیان درد دل های فرهنگی و معنوی است. مطالعه ی این درد دل ها شاید وسیله ای برای بیداری همگان، به خصوص نسل جوان باشد.

چه کنیم تبسم یار و لبخند نگار، رضایت صاحب ولایت و خاتم امامت شامل حالمان گردد؟ وظیفه ی ما در زمان غیبت چیست؟ به ویژه وظیفه ی تبلیغ دین و ترسیم راه و روش امام مبین و کشف حصین حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه و با چه وسیله ای در این روزگار و عصر بی قرار، عصر توحش به جای تمدن، ظلم به جای عدالت باید اجرا گردد؟!

ص: ۵

این‌ها مسائلی است که در این کتاب آمده است. امیدوارم هیأت‌های مهدوی و ندبه‌ای، در کنار اشک در فراق ولی نعمت، وسایل تحقیق در موضوع امام‌شناسی را فراهم کنند و در هر شهری کتابخانه‌ی تخصصی، بلکه در هر مسجد و حسینیه و مدرسه و دانشگاهی یک حرکت با عظمت تخصصی در امر مهدویت آغاز گردد و «جشن میلاد نور» به وسیله‌ی منتظران ظهور، در همه جا به یک‌دهه‌ی پرمحتوا تبدیل گردد و همه‌ی صاحبان فطرت در داخل و خارج، تبلیغات با ارزش مهدوی را بشنوند و بینند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

سَیِّمًا بَقِیَّةَ اللَّهِ فِی الْأَرْضِیْنَ

عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ نَحْنُ مَعَهُ

سید محمود بحر العلوم میردامادی

۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۵

مبعث رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم

ص: ۶

۱- آینه‌ی زیبایی‌ها

اشاره

سلسله مقالات شناخت‌شناسی مهدویت ۲

آینه‌ی زیبایی‌ها

ص: ۷

... مصلحان! چه کسی به شما این جرأت را داده که خود را مصلح بخوانید. علو خواهی و فساد انگیزی مگر مصلح بودن است.

اعلموا ان الله یحی الارض بعد موتها، مهدی آل مهدی مصلح است، شما اگر راست بگوئید و به وظائف زمان غیبت عمل کنید، زمینه سازان صلحید. (فرازهائی از نوشتار)

ص: ۸

تصوّر کنید انسان پاکیزه‌ای معطر و با ظاهر و باطنی آراسته به سمت شما می‌آید.

آیا شما از او فرار می‌کنید؟

هرگز، مگر از طهارت و پاکیزگی، عطر و زیبایی تنفر دارید؟

اگر شخص کثیف و آلوده‌ای با لباس چرکین و بدن متعفن از کنار شما عبور کند، یا در ماشین و یا در سالن غذاخوری کنار شما بنشیند، چه می‌کنید؟

آیا خود را جمع و جور نمی‌کنید؟ خود را کنار نمی‌کشید؟

پاسخ، مثبت است. چون انسان از آلودگی و کثافت و چرک و تعفن متنفر است.

آیا شیء گران‌بهای را در اختیار این فرد آلوده قرار می‌دهید؟ آیا با وجود آلودگی، لباس مرتب و پرارزشی را به او اهدا می‌نمایید؟

پاسخ، منفی است. چون انسان آلوده، قدر لباس با ارزش را نمی داند و ممکن است از روی بی خردی لباس گران بها را آلوده نماید.

سؤال دیگری دارم:

آلودگی جسمی و چرکین بودن بدن و لباس بدتر است یا آلودگی روحی و فکری؟

مثلاً- شخصی حمام نرفته و بدن و لباس او آلوده و چرکین است و دیگری حمام رفته و ظاهری آراسته دارد، ولی حسود و یا متکبر و مغرور است، از کدام یک از این دو بیشتر تنفر دارید؟

حتماً می گوئید: آلودگی روحی و فکری بدتر و انسان آلوده به مفسد روحی و فکری تنفر آورتر است، راست می گوئید.

این نوع آلودگی هاست که اختلاف می آفریند و جنگ می آفرود. قتل و ترور، غارت و سرقت، ستم و تجاوز، و ... از آلودگی فکر و روح سرچشمه می گیرد.

مثلاً حسد به اندازه ای بد است که خوبی ها را از بین می برد و فرد و جامعه را به پستی و زشتی می کشاند یا تکبر و غرور که کفر آور است و انسان را در برابر حق و حقیقت قرار می دهد.

البته آلودگی ظاهری و چرکین بودن بدن و لباس هم خوب نیست ولی آلودگی باطنی و روحی دو صد چندان بدتر می باشد.

مسلمان هم باید لباس ظاهرش خوب و پاکیزه باشد و هم به لباس باطن خود پردازد و روح و فکر خود را به لباس تقوا مزین نماید.

« لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ». (۱)

ص: ۱۰

امام مهدی پاک و پاکیزه است زیرا از عترت و اهل بیت است، { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً } (۱).

او عبد خداوند متعال است و مقام نبوت و رسالت ندارد، ولی عصاره ی پاکان و بقیه ی خوبان جهان و آنچه از خوبی ها در خوبان عالم وجود داشته و دارد، در وجود مطهر او یافت می شود.

امام مهدی « تَالِي كِتَابِ اللَّهِ » است اولاً قرآن می خواند، چه خواندن خوبی! در تشرّف سید بحرالعلوم (ره) خدمت حضرت، نقل شده که حضرت قرآن تلاوت می فرمودند؛ سید گفت «چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن». (۲)

اصلاً قرآن را باید او بخواند، قرآن با اوست و او با قرآن است.

ثانیاً: او در کنار قرآن قرار گرفته است؛ مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دو شیء گران قدر بین شما می گذارم: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي». این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر حوض کوثر بر من وارد شوند. (۳)

کتاب خداوند موجود است، اما عترت کجاست!؟

امروز امام مهدی علیه السلام به عنوان وارث عترت و امامت، در کنار قرآن قرار گرفته است.

خواننده ی عزیز! حتماً به عبارت {لَنْ يَفْتَرِقَا} توجه کن، چطور ممکن است که روزی قرآن باشد و عترت نباشد این امر با کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منافات دارد. پس امام مهدی علیه السلام آخرین فرد عترت معصوم در کنار قرآن و «تالی کتاب الله است.

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ

ص: ۱۱

۱- ۲.. سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳. قالت عایشه: خرج النبي صلی الله علیه و آله و سلم غداً و عليه مِرْطٌ مَرَحَلٌ مِنْ شَعْرِ اسود فجاء الحسن بن علي (عليهما السلام) فادخله ثم جاء الحسين عليه السلام فدخل معه ثم جاءت فاطمة عليها السلام فادخلها ثم جاء علي عليه السلام فادخله، ثم قال: { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً } (صحيح مسلم كتاب فضائل الصحابة، باب فضائل اهل بيت النبي (عليهم السلام) / السنن الكبرى، بيهقي، حديث (۲۸۵۸) عن ام سلمة قالت: في بيتي نزلت: { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ }، قالت فارسل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الى علي و فاطمة و الحسن و الحسين (عليهم السلام) فقال: « هُوَ لِمَاءِ أَهْلِ بَيْتِي ». حاكم نيشابوري پس از نقل این روایت از بخاری انتقاد کرده و می گوید «هذا حديث صحيح على شرط البخاری و لم يخرج». (المستدرک على الصحيحين، كتاب معرفه الصحابه، حديث ۴۷۵۹ به بعد) عن ابی سعید الخدری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: نزلت هذه الآية في خمسة: في و في

على و الحسن و الحسين و فاطمه (عليهم السلام) {إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا}. عن انس أن النبي صلى الله عليه و آله و سلم كان يمرّ ببيت فاطمه عليها السلام سته اشهر كلما خرج الى الصلاة فيقول الصلاة: {إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا}. (تفسير جامع البيان، طبرى، ذيل آيه ي شريفه، حديث ٢١٧٢٧ به بعد) اخرج الطبراني عن ام سلمه رضى الله عنها: ان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال لفاطمه رضى الله عنها، ائتنى بزوجك و ابنه فجاءت بهم فالقى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم عليهم كساء فدكيا ثم وضع يده عليهم ثم قال اللهم ان هؤلاء اهل محمّد صلى الله عليه و آله و سلم - وفى لفظ آل محمّد (عليهم السلام) - فاجعل صلواتك و بركاتك على آل محمّد (عليهم السلام) كما جعلتها على آل ابراهيم انك حميد مجيد قالت ام سلمه رضى الله عنها فرفعت الكساء لادخل معهم فجذبه من يدى و قال انك على خير. (تفسير الدر المنثور، سيوطى، ذيل آيه ي شريفه، به ضميمه ي چند روايت ديگر)

٢-٣. نجم الثاقب، صفحه ٦١٢.

٣-٤. قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: {إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله عزوجل و عترتي كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي و إن اللطيف الخبير أخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض فانظروا به تخلفوني فيهما}. (مسند احمد، جلد ٣، صفحه ١٨، و جلد ٢، صفحه ١٧ / كنز العمال، متقى هندی حديث ٩٤٤ و احاديث بعد از آن) عن زيد ابن ارقم قال قام رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يوما خطيباً فحمد الله و اثنى عليه ثم قال: ألا أيها الناس، فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، و أنا تارك فيكم ثقلين، أولهما كتاب الله، فيه الهدى و النور، فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به فحتم على كتاب الله و رغب فيه، ثم قال: و أهل بيتي، اذكركم الله فى أهل بيتي، اذكركم الله فى أهل بيتي، اذكركم الله فى أهل بيتي. (صحیح مسلم، طبع سعودى، كتاب فضائل الصحابه باب من فضائل على بن ابى طالب (عليهما السلام) سنن الدارمى، دارالكتب العربى، جلد ٢، صفحه ٥٢٤، حديث ٣٣١٦) قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: ... فانظروا كيف تخلفوني فى الثقلين؟ قالوا و ما الثقلان يا رسول الله؟! قال كتاب الله طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم فاستمسكوا به و لما تفضّلوا و الآخر عترتي و إن اللطيف الخبير قد تبأني انهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض فسألت ذلك لهما ربي فلا تقدموهما فتهلكوا و لا تقصروا عنهما فتهلكوا و لا تلوهم فانهم اعلم منكم من كنت اولى به من نفسه فعلى وليه اللهم و آل من و الاله و عاد من عاداه. (كنز العمال متقى هندی، حديث ٩٥٧)

امام مهدی علیه السلام خواننده ی قرآن و قرآن ناطق و ترجمان کتاب الله است.

مودت امام مهدی علیه السلام

مودت، محبت همراه با ابراز و عمل به دستورات محبوب است، و می دانید خداوند متعال مزد رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را مودت عترت و اهل بیت ایشان قرار داده است.

قرآن می فرماید: {إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا} (۲)

مطلوب خداوند دو مطلوب نیست، یعنی مسلمانان مهم مودت اهل بیت را داشته باشند و هم راه خدا را اتخاذ نمایند. بلکه این دو یکی است، یک مطلوب است که به عنوان مزد رسالت به حساب می آید، مودت اهل بیت (علیهم السلام) که همان اتخاذ صراط مستقیم و انتخاب راه خداوند می باشد و شما خوانند عزیز می توانی در تفاسیر فراوان تفسیر صراط مستقیم را بشناسی که جز راه اهل بیت (علیهم السلام) راه دیگری نیست. (۳)

قرآن می فرماید: {فَهُوَ لَكُمْ} (۴) و این مودت، و اتخاذ راه خداوند و شناخت صراط مستقیم به سود خود شماست.

به به! چه مهربانی و رأفت بزرگی از طرف خداوند؛ پیامبر فرستاده، کتاب قانون نازل کرده، تالی و مفسر در کنارش قرار داده و می گوید: مزد این پیامبر آن است که به کتاب قانون او بر اساس تفسیر تالی و مفسر آن، یعنی عترت، عمل نمایی و این به سود خودتان می باشد.

برادر و خواهر مسلمان! مودت امام مهدی علیه السلام بسیار گران بهاست،

ص: ۱۲

۱-۵.. زیارت آل یاسین (علیهم السلام)، مفاتیح الجنان، محدث قمی.

۲-۶.. سوره ی مبارکه ی فرقان، آیه ی ۵۷.

۳-۷.. عن ابی بریده فی قول الله « اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ » قال صراط محمد و آله عن ابن عباس فی قول الله تعالی « اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ » قَالَ: يَقُولُ: قُولُوا مَعَاشِرَ الْعِبَادِ: اهْدِنَا إِلَىٰ حُبِّ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعلی بن ابی طالب علیه السلام: أَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَ أَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ. عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان الله جعل علیاً و زوجته و أبنائه حجج الله علی خلقه و هم أبواب العلم فی أمتی من اهتدی بهم هدی الی صراط مستقیم عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدَةَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجُوزَ عَلَى الصِّرَاطِ كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ وَ يَلْجِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّي وَ وَصِيَّي وَ صِيَّاحِبِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَ أُمَّتِي عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدَةَ (علیهم السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

مَنْ سِرَّهُ أَنْ يَجُوزَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالرِّيحِ الْعَاصِفِ وَ يَلِجَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيَتَوَلَّ وِجْهِي وَ صَاحِبِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَ مَنْ سِرَّهُ (و من اراد "خ") أَنْ يَلِجَ النَّارَ فَلْيَتَوَلَّ وَ لَآئِيَهُ فَوْعَرَهُ رَبِّي وَ جَلَّالِهِ إِنَّهُ لَبَابُ اللَّهِ الَّذِي
 لَمَّا يُؤْتَى إِلَا مِنْهُ وَ إِنَّهُ الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ إِنَّهُ الَّذِي يَسْأَلُ اللَّهُ عَنْ وَ لَمَّا يَتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الصَّرَاطُ الَّذِي قَالَ
 إِبْلِيسُ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (اعراف: ۱۶) فهو على عليه السلام عن حذيفه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم : ان تولوا علياً- و لن تفعلوا- تجدوه هاديا مهديا يسلك بكم الطريق قال عبيد الرحمن بن زيد بن أسلم، عن أبيه في قول
 الله تعالى صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ قَالَ: النَّبِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ شَيْعَتُهُ. حاكم حسكاني در كتاب «شواهد
 التنزيل» كه به تفسير آيات نازله در شأن اهل بيت اختصاص دارد با نقل اين روايات و نظاير آن، منظور از «صراط مستقيم» را
 منحصر در وجود مقدس پيغمبر خدا صلى الله عليه وآله و سلم و اهل بيت معصوم ايشان (عليهم السلام) مى داند. قندوزى
 حنفى در تفسير آيه ي شريفه ي { وَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّرَاطِ لَنَّا كُوفُونَ } (توبه ۷۴) از اصبح ابن نباته از لسان در
 افشان اميرالمؤمنين عليه السلام نقل مى كند كه فرمود «صراط، اهل بيت هستند». (ينابيع الموده، ج ۱، صفحه ي ۳۳۸ با ذكر
 چند روايت ديگر با اين مضمون). وى همچنين در ذيل آيه شريفه { وَ إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ } (مؤمنون: ۷۳) از
 حضرت امام جعفر صادق عليه السلام مى نويسد: "صراط مستقيم" ولايت اميرالمؤمنين عليه السلام است (ينابيع الموده جلد ۱،
 صفحه ي ۳۳۹). خطيب خوارزمى در مناقب مى نويسد: صراط بر دو قسم است: صراط دنيا و صراط آخرت، منظور از صراط
 دنيا على بن ابى طالب عليه السلام و منظور از صراط آخرت، پل (روى) جهنم است؛ كسى كه صراط دنيا را بشناسد مى تواند
 از صراط آخرت بگذرد. انس بن مالك گويد: رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم فرمود «آن گاه كه قيامت بر پا شود و
 صراط بر جهنم نصب شود احدى از آن نمى گذارد، مگر كسى كه جوازي با عنوان ولايت على بن ابى طالب عليه السلام به
 همراه داشته باشد و اين همان قول خداوند تعالى است كه فرمود: { وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ } : آن ها را نگاه داريد كه مورد
 بازخواست و پرسش هستند». (ينابيع الموده، جلد ۱، صفحه ي ۳۳۸) ابواسحاق ثعلبى مفسر معروف عامه نيز در تفسير «الكشف
 و البيان» به نقل از ابوهريره منظور از «صراط مستقيم» را صراط و راه محمدي و آل محمدي (عليهم السلام) مى داند. قندوزى
 حنفى با نقل چند روايت ديگر به اثبات دلالت صراط مستقيم بر وجود اقدس حضرات معصومين (عليهم السلام) مى پردازد كه
 ذيلاً به بعض آنها اشاره مى شود: حضرت على بن الحسين (عليهما السلام) مى فرمايد «ما (اهل بيت) ابواب الله و صراط
 مستقيم و گنجينه ي علم الهى و ترجمان وحى خدا و اركان توحيد و جاىگاه سر خداوندى مى باشيم». (ينابيع الموده، جلد ۱،
 صفحه ي ۷۶ و جلد ۳، صفحه ي ۲۵۹) امام باقر و امام صادق (عليهما السلام) مى فرمايند: «منظور از صراط مستقيم امام است
 و منظور از اين كه خداوند فرموده است: { وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ } (انعام ۵۳) راه غير امام است و ما (اهل بيت)
 راه خدا هستيم». (ينابيع الموده، ج ۱، ص ۳۲۲) رسول اكرم صلى الله عليه وآله و سلم خطاب به اميرالمؤمنين عليه السلام
 فرمود «يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ ...». (ينابيع
 الموده جلد ۳، صفحه ي ۴۰۲).

۴- ۸. سوره ي سبأ، آيه ي ۴۷: { قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ }. پروردگار عالم به پيامبرش امر مى فرمايد: { قُلْ لَا
 أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نِزْدًا لَهُ فِيهَا حُسْنًا }. (شورى: ۲۳) عن ابن عباس قال لما نزلت { قُلْ لَا
 أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى } قالوا: يا رسول الله! قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُوَ لَاءِ الَّذِينَ أَمَرْنَا اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ وُلْدُهُمَا (عليهما السلام) ». (شواهد التنزيل، جلد ۲، صفحه ي ۱۳۱) بيضاوى مفسر معروف عامه
 مى نويسد: چون اين آيه ي شريفه نازل شد، از رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم پرسيدند: نزديكان تو (كه خداوند امر به

مودت آنان فرموده) چه کسانی هستند؟ فرمود: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و دو پسرشان (علیهما السلام). «سپس فرمود: «معنی اقرار حسنه (کار نیکو کردن)، کسب طاعت، خصوصا محبت آل رسول است». (انوار التنزیل، بیضاوی، جلد ۲، صفحه ی ۳۹۷) دیگر مصادر عامه نیز نظیر تفسیر کشاف جلد ۴، صفحه ی ۲۲۰؛ مناقب ابن مغزلی، صفحه ی ۲۶۳؛ تفسیر رازی، ذیل آیه ی شریفه؛ تفسیر ثعلبی، ذیل آیه ی شریف؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، صفحه ی ۱۰۱ و ۱۳۵؛ احیاء المیت، سیوطی، صفحه ی ۲۳۹؛ الدر المنثور، جلد ۷، صفحه ی ۳۴۸؛ تفسیر طبری، ذیل آیه ی شریفه؛ شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه ی ۱۳۰ و ... مصداق «قربی» را آل محمّد (علیهم السلام) و مصداق «اقرار حسنه» را مودت آل محمّد (علیهم السلام) می دانند.

همان طور که خود آن حضرت در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به نام «ثقل» عنوان شده است و ثقل به شیء گران بها می گویند.

ارزش امام مهدی علیه السلام نزد خداوند معلوم است او آینه ی زیبایی ها است؛ زیبایی ایمان تقوا، عبودیت، عدالت و راستی، در وجود وی جلوه گر است.

مودت او هم گران بهاست، بعضی لایق نیستند مودت داشته باشند. آدم های آلوده و کثیف، که لباس چرکین حسد و کبر و غرور بر روح و فکر آنها احاطه دارد و از لباس تقوا بی بهره اند، چگونه خداوند به آنها مودت و شیء گران بها عنایت می کند؟

راه چیست؟

راستی چرا بعضی مودت امام مهدی علیه السلام را ندارند؟ و از گوهر گرانبهای مودت به دورند. پاسخ این است که:

اولاً، این گروه شاید اهل بیت (علیهم السلام) را نشناخته باشند. شناخت مودت آور است شما چه مقدار امامتان را شناخته اید؟ هر مقدار می شناسید دوست می دارید.

برای همین است که فرموده اند: «کسی که بمیرد و امام زمان خودش را نشناخته باشد، به موت جاهلیت مرده است». (۱)

راستی همین است؛ مسلمان وقتی تالی و مبین واقعی قرآن، یعنی امام زمان را نشناسد، به او مودت ندارد و مسلمان بدون مودت یعنی مسلمانی که به اجر و مزد رسالت توجه نداشته و با میزان و شاقول قرآن و سنت بیگانه بوده در نتیجه به مرگ جاهلیت مرده است.

ص: ۱۳

۱- ۹.. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ». این روایت و نظایر معنوی آن: (بغیر امام، لیس فی عنقه بیعه، و ...) در مدارک عامه نظیر صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه ی ۱۴۷۸ کتاب الاماره؛ تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه ی شریفه ی { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ } ینابیع الموده؛ جلد ۳، صفحه ی ۴۵۶، نقل شده است.

ثانیاً، شاید حق را فهمیده و حجت بر او تمام شده، ولی فساد درون و آلودگی قلب و مریضی روح وی را از نگاه به زیبایی ها و استشمام عطرها محروم نموده، حسد و کبر چشم دل او را کور کرده است.

شما از کوردل چه توقع دارید؟ زیبایی و عطر گل و حتی وجود خود گل را انکار می کند.

راه این است که بشر از حسد و کبر و صفات رذیله ی دیگر خود را رها نماید. راه این است که بشر به پرورش و تزکیه ی روح پردازد و خود را از تاریکی ها و چرکی های فکری و فرهنگی برهاند.

مهدی شناسی با «تقوا» میسر است.

مهدی یعنی هدایت شده چه کسی او را هدایت کرده است؟

هدایت پیشوایان معصوم با خداوند است و هدایت ما با پیشوایان معصوم؛ یعنی آنها واسطه ی هدایت ما می باشند.

پس هدایت شده ی از طرف خداوند می تواند هادی مردم باشد.

حضرت مهدی علیه السلام جزء پیشوایان هدایت شده و صادق است و ما دستور قرآنی داریم با پیشوایان صادق باشیم. قرآن می فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } . (۱)

می بینید ... قبل از اینکه بفرماید: { كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } می فرماید { اتَّقُوا اللَّهَ } . کلام ما همین است اتَّقُوا اللَّهَ!

مهدی شناسی اتَّقُوا اللَّه را می طلبد، باید برای نشست با امام پاکیزه، پاکیزه شوی؛ لباس پاکیزه باشد خودت را از آلودگی ها و چرکی ها شست و شو دهی.

ص: ۱۴

۱- ۱۰.. سوره ی توبه، آیه ی ۱۱۹. رازی مفسر معروف عامه می نویسد: «کسی که جایز الخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را «صادقین» نامیده است؛ لذا این آیه دلالت بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان شوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و الا این دستور، تکلیف به ما لا یطاق است.» (تفسیر رازی، جلد ۱۶، صفحه ی ۲۲۱) مصادری همچون شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ی ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷؛ تاریخ مدینه ی دمشق، ترجمه ی علی بن ابی طالب علیه السلام، جلد ۴۲، صفحه ی ۳۶۱ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳ فتح القدر شوکانی، جلد ۲، صفحه ی ۵۰۲؛ الصواعق المحرقة ابن حجر، صفحه ی ۳۱۶ روح المعانی آلوسی، جلد ۱۱، صفحه ی ۴۰ و ... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجودم قدس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اذعان نموده اند.

مهدی شناسی، تزکیه ی روح و پاکی قلب می خواهد؛ باید برنامه ی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم { یُرْکِبِهِمْ } (۱) را در نظر بگیری و صفات رذیله خودخواهی علوّطلبی، ریا و سمعه و شرک را ترک نموده از گناه توبه نمایی.

دو نکته

دو نکته را برای خوشبختی در نظر بگیرید:

۱- در طیّ راه و مسیر مواظبت کنید که پای شما به خار و خس و اشیاء اذیت کننده مبتلا نگردد.

در سیر الی الله خار گناه، موذی روح و قلب آدمی است. انسان با گناه به زمین می خورد و در سیر و سلوک موفق نمی شود. «اتَّقُوا اللَّهَ» به همین معناست، به معنای مواظبت و رعایت کردن، خود را از آلودگی ها حفظ نمودن است و شما توجه دارید آلودگی ها دو نوعند: «قلبی» و «جوارحی».

انسان متقی، و در واقع سالک راه خداوند، باید هم تقوای قلبی داشته باشد، و هم تقوای جوارحی

تقوای قلبی این است که انسان بدانند مالک ملک فقط خداوند متعال است؛ عالم اوست، غنی اوست، قادر اوست، و او می تواند از علم و غنا و قدرتش به بندگان خویش عنایت فرماید.

تقوای قلبی این است که آدمی دل و قلبش را فقط به خدا بدهد، یعنی دل و قلب آدمی جای محبت خداوند باشد.

ص: ۱۵

۱- ۱۱.. { هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ } . (سوره ی جمعه، آیه ی ۲)

البته اولیای خداوند را برای رضای خدا دوست بدارد و با دشمنان او دشمن باشد.

تقوای جوارحی، این است که انسان سالک مواظبت کند تا گرفتار گناه چشم و گوش و زبان و دیگر جوارح نگردد.

خواهید گفت ملاک این که این کار گناه است یا نه، چیست؟

چه گناه قلبی و روحی و چه گناه جوارحی، ملاک و معیارش قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، اما به تفسیر و تبیین هادی که در هر زمانی وجود دارد.

{إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ}. (۱)

پیامبر منذر است، اما بیان انذار او و تبیین نسخه ی وی، با هادی می باشد.

هادی بعد از پیامبر، علی بن ابیطالب علیه السلام است و هادی امروز، امام مهدی علیه السلام می باشد.

ما با میزان و شاقل امامت این بزرگواران می توانیم صواب را از گناه تشخیص دهیم و حلال و حرام را از زبان هادی دریافت کنیم.

ممکن است سؤال کنید مگر قرآن و سنت پیامبر معلوم و آشکار نیست می گویم مگر ما در قرآن متشابهات نداریم؟ همانطور در سنت، هادی که راسخ در علم (۲) است، انسان سالک را به خوب و بد حلال و حرام آگاه می کند و نسخه ی خدا و رسول را توضیح می دهد.

۲- نکته ی دیگری که برای خوشبختی لازم است این است که با هادی حرکت کنید؛ نه مقدم و نه مؤخر. (۳) در این مسیر طولانی و این

ص: ۱۶

۱- ۱۲.. سوره ی رعد، آیه ی ۷. عن ابن عباس قال: لَمَّا نَزَلَتْ (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) ، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «أَنَا الْمُنذِرُ وَ عَلِيُّ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي» و ضرب بيده على صدر علي. فقال «أَنْتَ الْهَادِي بَعْدِي يَا عَلِيُّ بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ». و في المناقب عن محمد بن مسلم قال سئلت هذه الآية عن جعفر الصادق عليه السلام قال: «قال كل امام هاد لكل قوم في زمانه». (ينابيع المودة، جلد ۱، صفحه ی ۱۹۷) عن عبدالرحيم عن الباقر عليه السلام قال في تفسير الآية رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «أَنَا الْمُنذِرُ وَ عَلِيُّ الْهَادِي ، امَّا وَاللَّهِ مَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ». (مأخذ پیشین). عن ابی هريره فی قوله تعالى: {إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ} یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و فی قوله { وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ } ، قال سألت عنها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و قال «إِنَّ هَادِي هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. عليه السلام». (شواهد التنزيل جلد ۱، صفحه ی ۲۹۷) عن عبدالله بن عامر قال از عجت الزرقاء الكوفيه الى معاوية فلما ادخلت عليه قال لها معاوية: ما تقولين في مولى المؤمنين علي: فانشات تقول: صِلَى الْإِلَهِ عَلَى قَبْرِ تَضَمَّنَهُ نُورٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُونًا مِنْ حَالَفِ الْعَدْلِ وَ الْإِيْمَانُ مُقْتَرِنًا فَصَارَ بِالْعَدْلِ وَ الْإِيْمَانِ

مَقْرُونًا فَقَالَ لَهَا مَعَاوِيَةَ كَيْفَ غَرَرْتَ فِيهِ هَذِهِ الْغَرِيرَةُ فَقَالَتْ: سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِنَبِيِّهِ { إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ } الْمُنذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، وَ الْهَادِي عَلِيُّ وَ لِئِي اللَّهِ . عَلَيْهِ السَّلَامُ . (شواهد التنزيل، جلد ٢، صفحہ ی ٣٠٢).
 روایات دیگری با همین مضامین در دیگر کتب عامه نظیر کنز العمال، متقی هندی، حدیث ٤٤٤٣ تفسیر ابن کثیر، جلد ٢، صفحہ ی ٥٢٠؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری جلد ٣، صفحہ ی ١٤٠؛ الدر المنثور سیوطی، جلد ٤، صفحہ ی ٦٠٨ و ... به چشم می خورد.

٢-١٣.. { وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ } . (سوره ی آل عمران، آیه ی ٧) ... عن ابان بن ابی عیاش حدثنی سلیم بن قیس الہلالی قال سمعت علیاً یقول: ، فَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا. فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ اخْتَصَرْتُهُ. مَا نَزَلَتْ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا - أَوْ أَمْلَأَهَا - عَلَيَّ فَأَكْتُبُهَا بِخَطِّي وَ عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفَسَّرَهَا وَ نَاسَبَهَا وَ مَنْسُوخَهَا - وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابَهَهَا - وَ دَعَا اللَّهَ لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَمَهَا وَ حَفِظَهَا ، فَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا.. فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ اخْتَصَرْتُهُ.. عن انس قال: قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم عَلِيُّ يُعَلِّمُ النَّاسَ بَعْدِي مِنْ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ مَا لَا يَعْلَمُونَ. عن علقمه بن قيس قال قال عَلِيُّ سَلُونِي يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ قَبْلَ أَنْ لَا تَسْأَلُونِي [كَذَا] فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَ أَنَا أَعْلَمُ بِهَا أَيْنَ نَزَلَتْ وَ فِيمَنْ نَزَلَتْ، فِي سَيْهَلِ أُمِّ فِي جَبَلٍ أَوْ فِي مَسِيرِ أُمِّ فِي مَقَامٍ. «. عَنْ عُمَيْرِ بْنِ بِنِ بَشْرِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: قَالَ ابْنُ عُمَرَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. (شواهد التنزيل، جلد ١، صفحہ ی ٣٠ به بعد، فصل ٤، فی توحده بمعرفه القرآن و معانيه و تفرده بالعلم بنزوله و ما فيه)

٣-١٤.. « الْمَتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ » (مفاتيح الجنان، صلوات ماه شعبان)

راه ظلمانی، بدون چراغ حرکت کردن کار عاقلان و کاری عاقلانه نیست.

{ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا } . (۱)

برگردید نور بیاورید! این چه نوری است؛ نور با مهدی بودن است، نور ندبه در فراق مهدی علیه السلام، نور زیارت آل یاسین، نور خیریه و مدرسه ساختن به نام و یادش، نور جشن دهه ی مهدویه.

آیه را خوب توجه کن!

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } . اول، « اتَّقُوا اللَّهَ » دوم « با صادقین بودن»، یعنی تقوا داشتن بر اساس مکتب صادقین باید باشد نه این که آنچه را که من و دیگران اسمش را تقوا می گذاریم، دستورالعمل باشد. تقوا در کلام خدا و سنت رسول، به توضیح و تبیین صادقین یعنی اهل البیت (علیهم السلام) مطلوب است.

{ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ } (۲) نگاه کن! کتاب و میزان، «کتاب الله و عترتی» قرآن و علی علیه السلام و امروز قرآن و مهدی علیه السلام فلاح آور و عامل و خوشبختی می باشد.

همین مطلب جای دیگر قرآن نیز آمده است:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ } . (۳)

در این آیه اول تقوا را دستور می دهد و بعد توسل به وسیله را، این توسل یک امر الهی است.

توسل به عترت برای اخذ دستورالعمل و توضیح مراد خداوند از آیات متشابهات و حلال و حرام الهی - توسل به عترت جهت رفع اجمال قرآن و فهم تفصیلی آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، توسل به عترت،

ص: ۱۷

۱- ۱۵.. سوره ی حدید، آیه ی ۱۲ و ۱۳. بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۲. }
يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيْمَانِهِمْ ... يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا ... } . روى القمى عن الصادق عليه السلام: « ... و من لم يجعل الله له نوراً
يعنى اماماً من ولد فاطمه عليها السلام فما له من نور فما له من امام يمشى بنوره كما فى قوله تعالى: نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ
بَأْيْمَانِهِمْ، قال انما المؤمنون يوم القيامة نورهم يسعى بين ايديهم و بايمانهم حتى ينزل منازلهم من الجنان». (تفسير الصافي،
سوره ی نور آیه ی ۴۰)

۲- ۱۶.. سوره ی حدید، آیه ی ۲۵. عن داود الرقى قال سألت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل: { ... و السماء رفعها
و وضع الميزان }، قال «السَّمَاءُ» رَسِيوُلُ اللّهِ صَلَى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ قَبْضُهُ اللّهُ ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيْهِ وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ وَ « الْمِيزَانَ » أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَصَبَهُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ قُلْتُ { أَلَا تَطْعَمُونَ فِي الْمِيزَانِ ؟ } قَالَ « لَا تَطْعَمُونَ فِي الْإِمَامِ بِالْعَصِيانِ وَ الْخِلَافِ » قُلْتُ: { وَ

أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؟ قَالَ أَطِيعُوا الْإِمَامَ بِالْعَدْلِ وَلَا تَبْخُسُوهُ فِي حَقِّهِ». (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود، می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ». (مفاتیح الجنان) ۳-۱۷.. سوره ی مائده، آیه ی ۳۵. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ائمه از فرزندان من هستند هر کس آنها را اطاعت کند، خدا را اطاعت نموده و هر کس مخالفت آنان کند، با خدا مخالفت ورزیده است ایشانند عروه الوثقی و ایشانند وسیله (تقرّب به خداوند عزوجل) (ینایع الموده، جلد ۳، صفحه ی ۲۹۲)

آبرومندان در گاه خداوند، برای رفع مشکلات مادی و معنوی و این امر مشروعیت دارد و فرمان { اَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ } - برای اهل فضل و کمال، میزان و دلیل خوبی است.

برای همین است که به امام علیه السلام می گوئیم: « يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ». (۱)

او خدا نیست، وجیه نزد خداوند است می تواند به اذن خداوند برای ما شفیع گردد.

پس باز امر «اتقوا» در آیه ی شریفه با همراه بودن با آبرومندان هم آمده است.

آن آبرومندان کیانند؟

تاریخ را بخوانید! حتماً تاریخ را بخوانید، نه تاریخ دروغین همراه با جعل و مکر را ... بسیار با احتیاط، با تدبّر، بدون شتاب زدگی، تاریخ صحیح، واقعیت ها را، بدون تعصب بخوانید.

آبرومندان پیشگاه خداوند کیانند؟ چه کسانی در مباحله با پیامبر شرکت داشتند؟ (۲)

«آیه ی تطهیر» و «داستان کساء» چه می گوید؟

امروز فرزند محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین، یعنی مهدی آل محمد (علیهم السلام) «وجیه عندالله است و { كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ } امروز یعنی با مهدی آل محمّد بودن؛ و { اَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ } امروز، یعنی در راه مهدی آل محمد کار و تلاش داشتن.

« أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ». (۳)

ص: ۱۸

۱-۱۸.. دعای توّسل، مفاتیح الجنان

۲-۱۹.. { فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعِلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِيْنَ } . (سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۱) شعبی به نقل از جابر می گوید: منظور از «ابنائنا حسن و حسین (علیهم السلام) و منظور از «نساننا» فاطمه علیها السلام و مصداق «انفسنا» علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند. عامر بن سعد به نقل از پدرش گوید: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را فراخواند و عرضه داشت «بار خدایا! این ها اهل من هستند». این روایت و نظایر آن را صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب «من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام»، حدیث ۳۲؛ شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ی ۱۲۰، با ذکر ۹ روایت؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفه الصحابه، باب «من مناقب اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» با ذکر ۷ روایت الدر المنثور، ذیل آیه ی شریفه، به عبارات و طرق مختلفه از بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی ابونعیم، حاکم نیشابوری، ابن جریر، ابن مردویه، عبدالرزاق، ابن منذر، ابن ابی حاتم و بیهقی، تفسیر طبری، ذیل آیه ی شریفه؛

تفسیر کشاف زمخشری، ذیل آیه ی شریفه؛ جامع ترمذی، حدیث ۳۷۲۴؛ کفایه الطالب گنجی، الباب الثانی و الثلاثون فی قوله عزوجل فی آیه المباهله؛ مناقب ابن مغزلی حدیث ۳۶۲؛ تفسیر رازی، ذیل آیه ی شریفه؛ و ... نقل نموده اند. رازی، مفسر معروف و متعصب عامه، ذیل این آیه ی شریفه می نویسد: «بدان که گویا این روایت در میان همه ی اهل تفسیر و حدیث، صحیح شمرده شده است.»

۳- ۲۰.. دعای ندبه.

کجاست آن وسیله ی الهی؟ کجاست آن سبب که انسان را از خاک به عالم پاک برساند و به او سیر و سلوک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یادآوری نماید؟ سنت و روش مهدی علیه السلام، سنت و روش پیامبر است؛ (۱) از خودش چیزی نمی گوید، آنچه خداوند فرموده و در سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بوده توضیح و تعلیم می دهد.

آیا می توانیم به او راه پیدا کنید؟ «این بقیه الله؟» کجاست بقیه الله؟ یعنی عروج سینه های سوخته، رهبر و آخرین اندوخته کجاست؟

در ندبه حالت انتظارت را نشان می دهی، روان خویش را مهدوی می کنی، گلاب مهدوی می زنی!

خیر چیست و کجاست؟ همه به دنبال اویند؛ همه به دنبال او می گردند، اما او را نمی یابند؛ اشتباه رفته اند؛ با شهرت طلبی و شهوت خواهی که نمی توان به خیر رسید: {بقیه الله خیر لکم} (۲).

مهدی برای شما خیر است، فقط «مهدی هذه الأمة من نسل الأئمة الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين» برای شما خیر است.

کجا می روید؟ کجا می روید خیر این جاست! مگر قرآن نخوانده اید؟ مگر دلسوز خود و اجتماعتان نیستید {بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ}، ولی مطلب این است که می فرماید {إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} ایمان گره گشاست {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} (۳) غیب حق تعالی است و مظهر غیب خداوند، امام مهدی علیه السلام است.

مگر عیسی علیه السلام غایب نیست مگر یونس علیه السلام غایب نبود. امام مهدی هم به قدرت خداوند زنده و غایب است.

ص: ۱۹

۱- ۲۱.. عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه عن جدّه (عليهم السلام) قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: « الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي ... ». (كمال الدين و تمام النعمه، جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶)

۲- ۲۲.. سوره ی هود، آیه ی ۸۶. عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول: إِذَا خَرَجَ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعُقَدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ أَلْفِ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صِنْمٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلَهُ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ ... إِذَا خَرَجَ (القائم) أَسْبَدَ ظَهْرُهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ... ». (بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ی ۱۹۲) امام محمدباقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشريف) خروج کند، به خانه ی کعبه تکیه فرماید و ۳۱۳ نفر نزد او اجتماع کنند. اولین جمله ای که آن حضرت در این هنگام بر زبان جاری می کند، این آیه ی شریفه است.

۳- ۲۳.. سوره ی بقره، آیه ی ۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می کنند و بر محبت اهل البيت (عليهم السلام) ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه ی

۴۱۴) حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره ی آیه ی ۲۰ سوره ی یونس { فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا ... } می فرماید:
«غیب در این آیه حجّت قائم علیه السلام است». (ینایع المودّه، جلد ۳، صفحه ی ۲۴۱)

بیاید به غیب مؤمن باشیم و به بقیه الله و آخرین اندوخته ی خداوند توسل جویم.

سحر آمد زمان و صل دلدار

کجا شد عاشقی با قلب غمبار؟

بیا معشوق را یک دم صدا کن

به لبتیک ولا رو جانب دار!

کجا برویم که امن تر از خانه ی فرزند امین باشد مگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین نیست عترت او نیز امینند، مهدی او نیز امین است.

امین تر از مهدی علیه السلام کیست و کجاست؟ از زبان میلیون ها نفر انسان به شما می گویم: ما را راهنمایی کنید.

ما را راهنمایی کنید! مگر نمی دانید باید زکات علمتان را بدهید اگر علم دارید؟!

آیا آگاهید امین در گاه خداوند متعال امروزه کجاست؟

آیا در کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشانه ای از او دارید؟

شما را به خدا، من سرگردان را ارشاد کنید! آیا در «رَضوی» است یا در «ذی طَوّی»؟ (۱) آیا در مدینه است یا کربلا؟

شما را به خدا، غریق را نجات دهید! من هم مثل میلیون ها نفر انسان غریق این اقیانوس مهلک ام.

آیا اثری از کشتی نجات نمی بینید؟ آیا سراغ ستاره ی نجات بخش را دارید؟ مگر نجات غریق در اسلام واجب نیست؟

مگر صدای غریق را نمی شنوید؟

ای عالمان! اندیشمندان، مصلحان، صلح خواهان دلسوزان...! صدای مرا نمی شنوید؟ من غریق گناهم، غریق شهوت و شهرت، حیران

ص: ۲۰

۱- ۲۴.. اشاره به فرازی از دعای شریف ندبه «... أَيْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تَرَى أَوْ بَرَضَوَى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طَوّی؟» ("رَضوی" کوهی است در نزدیکی مدینه و "ذی طوی" موضعی است در یک فرسخی مکه در راه تنعیم). امام باقر علیه السلام در حالیکه با دست مبارکش به ناحیه «ذی طوی» اشاره می نمود، می فرمود: «برای حضرت صاحب الامر علیه السلام غیبتی است در بعضی از این شعبه ها و کوه ها». (تفسیر برهان، ذیل آیه ی ۶۲ سوره ی نمل).

و سرگردان «ایسم ها و مسلک ها تبلیغاتشان بر حیرتم می افزاید! آیا چاره ای نمی یابید؟

چاره ای برای من بیچاره!؟

انسان این قرن، قرن توخوش به جای تمدن قرن ظلم به نام عدل.

چاره ای برای همه ی بیچارگان دنیا؛ می دانید که نجات غریق، کار صواب و برای آن، چه ثواب ها می نویسند؟

{ مَنْ أَحْيَاهَا } (۱) را خوانده اید؟

بیاید آب شیرین و گوارایی به کام من بریزید، قبل از اینکه مرگ مرا در کام خود بگیرد!

{ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ }؟ (۲) آفرین به قرآن! به کلام الهی و آب گوارا به دست چه کسی است؟

چه کسی ساقی تشنگان است؟ شما به من بگویید: ساقی کوثر چه کسی است الآن نسل تشنه ی حقیقت را چه کسی سیراب می کند؟

{ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ }؟ ...

یافتم ... یافتم! من به شما زکات علم می دهم؛ شکر یافتن در یافتن دیگران است؛ نجات دیگران از مهلکه ی جهل و غفلت!

«ماء معین» مهدی آل محمد علیه السلام است.

آب گوارا، از «بحرین علم و عصمت ... همان بحرین که «لؤلؤ» و «مرجان» دارد ... (۳) لؤلؤ صلح و مرجان قیام!

ص: ۲۱

۱- ۲۵.. سوره ی مائده، آیه ی ۳۲: { مَنْ قَتَلَ نَفْسًا ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا }.

۲- ۲۶.. سوره ی ملک، آیه ی ۳۰. علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت در مورد این آیه فرمود «یعنی هنگامی که امامتان غایب شود کیست که جز او برایتان امامی جدید بیاورد؟». (ینابیع المودّه جلد ۳، صفحه ی ۲۵۳)

۳- ۲۷.. { مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ } (سوره ی الرحمن آیه ی ۱۹ تا ۲۲) سلمان و ابن عباس و ضحاک درباره ی این آیات شریفه می گویند: «منظور از بحرین، علی و فاطمه (علیهما السلام) و منظور از برزخ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مراد از لؤلؤ و مرجان، حسنین (علیهما السلام) می باشند.» (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه ی ۲۰۸؛ مناقب ابن مغزالی صفحه ی ۲۷۷)

مهدی هم صلح دارد با مستضعفان، و هم قیام دارد با مستکبران.

آب آور و ساقی تشنگان، نه مردگان! بیایید تشنه باشیم و به مصداق { قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ } (۱) به { بئِرٍ مُّعَطَّلَةٍ } (۲) سری بزنیم و دست ساقی را ببوسیم.

یافتم! ... یافتم!

مصلحان! چه کسی به شما این جرأت را داده که خود را مصلح بخوانید.

علوخواهی و فسادانگیزی، مگر مصلح بودن است؟!

{ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا } (۳)

مهدی آل محمد علیه السلام مصلح است؛ شما اگر راست بگویید و به وظایف زمان غیبت عمل کنید، زمینه سازان صلحید.

عالمان! اندیشمندان! به علم و اندیشه ی خودتان مغرور نگردید، شما کمی از زیاد را هم نمی دانید قطره ای از اقیانوس علم را هنوز حایز نیستید!

برای چه تکبر می کنید و به چه علت مغرورید؟

چه بخواید و چه نخواهید، { مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ } (۴) خواهد آمد.

آیا خود را با او برابر می بینید؟ { اهل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون } (۵) یا به وجود او ایمان ندارید؟! پس «روایات المهدی علیه السلام» در کتب فریقین چه می شود؟ و مگر او فرزند امام عسکری علیه السلام یازدهمین اختر خاندان رسالت نیست؟ (۶) مگر می شود او هنوز متولد نشده باشد؟

ص: ۲۲

۱- ۲۸.. سوره ی سبأ، آیه ی ۱۳.

۲- ۲۹.. سوره ی حج، آیه ی ۴۵: { وَبئِرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ } . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «منظور، علی علیه السلام است». (مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام، جلد ۲، صفحه ی ۲۸۴) علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (علیهما السلام) نقل می کند که درباره ی این آیه ی شریفه فرمود: «منظور از { بئِرٍ مُّعَطَّلَةٍ } امام صامت و { قصر مشید } امام ناطق است. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ی ۴۲۷). مرحوم علی بن ابراهیم قمی (علیه الرحمه) می نویسد: «و اما قوله: { وَ بئِرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ } قَالَ هُوَ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام)؛ قوله { بئِرٍ مُّعَطَّلَةٍ } . هِيَ الَّتِي لَمَّا يَسْتَسْقِي مِنْهَا وَ هُوَ الْإِمَامُ الَّذِي قَدْ غَابَ فَلَا يُقْتَبَسُ مِنْهُ الْعِلْمُ، وَ «قَصْرِ مَشِيدٍ» هُوَ الْمَرْتَفَعُ وَ هُوَ مَثَلٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْإِثْمَةُ (علیهم السلام) وَ فَضَائِلِهِمُ الْمُنْتَشَرَةُ فِي الْعَالَمِينَ الْمَشْرِفَةِ عَلَى الدُّنْيَا وَ هُوَ قَوْلُهُ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ قَالَ الشَّاعِرُ فِي ذَلِكَ بئِرٌ مُّعَطَّلَةٌ وَ قَصْرٌ مُشْرِفٌ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ

مُسْتَطَرَفٌ فَالْقَصْرُ مَجْدُهُمُ الَّذِي لَا يُزْتَقَى وَ الْبَيْتُ عَلْمُهُمُ الَّذِي لَا يُزْتَفُّ (تفسير قمی، جلد ۲، صفحه ی ۶۰)

۳- ۳۰.. سوره ی حدید، آیه ی ۱۷. فی الاکمال عن الباقر علیه السلام قال « يُحْيِيهَا اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ ». (تفسير الصافي، ذيل آیه ی شريفه؛ كمال الدين و تمام النعمه، باب فی نوادر الكتاب، حديث ۱۳؛ تفسير برهان، ذيل آیه ی شريفه)

۴- ۳۱.. سوره ی رعد، آیه ی ۴۳. عن ابی سعيد الخدری قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ قَوْلِ تَعَالَى: « وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ » قَالَ: « ذَلِكَ أَخِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ». (شواهد التنزيل، جلد ۱، صفحه ی ۳۰۷ همراه چهار روايت ديگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنفيه، ابن عباس ابی صالح)

۵- ۳۲.. سوره ی زمر، آیه ی ۹. عن ابی جعفر عليه السلام فی قوله تعالى { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ ... } قال: { الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ } نحن؛ { وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ } عدونا: { إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ } شيعتنا. عن الضحاک عن ابن عباس فی قوله: { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ } قال یعنی ب { الَّذِينَ يَعْلَمُونَ } علياً عليه السلام و اهل بيته من بني هاشم و { الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ } بني اميه و { أُولُوا الْأَلْبَابِ } شيعتهم (ای شيعه اهل البيت عليهم السلام) شواهد التنزيل جلد ۲، صفحه ی ۱۱۶

۶- ۳۳.. بسياری از دانشمندان سنّی تصريح نموده اند كه مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرزند بلافضل امام حسن عسکری عليه السلام می باشد. (راجع المنتخب الأثر فی الامام الثاني عشر، الامام المهدي عليه السلام عند اهل السنّه)

با علمتان جهل می ورزید، علم وسیله ی بیداری مردم است نه بهانه ای برای نشر جهالت!

حمد خدای را، که آیه ی شریفه ی { وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ { (۱) را خوانده و تفسیر و تأویلش را دانستیم.

خداوندا! تشنه بودم، آب حیات مهدوی به من رساندی و از دریای مهلک جهل و غفلت و عدم شناخت امام مهدی علیه السلام نجاتم دادی!

با این آیه، دانستم که آمدن او حتمی است.

می فرماید: { وَ لَقَدْ كَتَبْنَا { - الله اکبر! - از ناحیه ی قدرت، قادر متعال می فرماید: { لَقَدْ كَتَبْنَا {؛ در کتب آسمانی قبل، در صحف سماویه بشارت داده ایم، به تشنگان گفته ایم که حکومت زمین به بندگان صالحم می رسد. مقصود حکومت مهدی آل محمّد علیه السلام است؛ پس چرا کلمه ی بندگان را به کار برده است؟ حکومت او حکومت بندگان خداوند است، نجات بندگان در تحت لوای ولایت اوست مگر می شود کسی بنده ی صالح باشد، بدون این که توسّل و تمسک به ولایت او داشته باشد؟!

به به ... چه آیه ای!

این آیه را برای همگان بخوانید به زبان های مختلف ترجمه کنید، در مدخل دانشگاه های دنیا بزنید؛ همه بدانند که او خواهد آمد.

همه بدانند تا مایوس نباشند؛ همه بدانند تا امیدواری را با امید استقبال کنند و فاتحه ی یأس را در جامعه بخوانند!

مسلمانان، با آیه ی { وَ اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ { (۲) به انتظار آمدن حبل الله باشند و با گل علم و عمل، مقدم منتظر را گرامی بدارند. موحدان، با

ص: ۲۳

۱- ۳۴.. سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰۵. عن الباقر و الصادق (علیهما السلام) فی قوله تعالی { وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ }، قالوا: «هم القائم و أصحابه». (ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ی ۲۴۳).

۲- ۳۵.. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى الْمَوْدَّةُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (علیه السلام)» (ینابیع الموده، جلد ۱، صفحه ی ۳۳۱) قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعلی بن ابی طالب علیه السلام: «أَنْتَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى». (ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ی ۲۷۸) صاحب مناقب می نویسد: «ابن عباس گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که یک اعرابی آمد و گفت ای رسول خدا! شنیده ام که می گویی به ریسمان الهی چنگ زبید. ریسمان و حبل الهی چیست؟ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستش را در دست علی علیه السلام قرار داد و به او فرمود «به این شخص متمسک شوید، او حبل الله المتین است.» (ینابیع الموده، جلد ۱ صفحه ی ۳۵۶) فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ حُجَجُ اللَّهِ

عَلَى الْخَلْقِ بَعِيدِي وَسَادَةُ أُمَّتِي وَقَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَحِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَحِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ. عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ « مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَيْفِيْنَ النَّجَاهِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا لِيَأْتَمَّ بِالْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ ». عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: « نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ: { وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ... } فَالْمُسْتَمْسِكُ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُسْتَمْسِكُ بِالْبِرِّ فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ خَارِجًا مِنَ الْإِيمَانِ ». عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ قَالِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: « وَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي ». (شواهد التنزيل، جلد ١، صفحة ١٣٠)

عطر توحید و کلمه ی « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » به دیدار شرط فلاح بشتابند (۱) و بزرگی کردگار را در آینه ی دلدار ببینند.

بر آن سریم که سر به پایش نهیم و مقدمش را بوسه باران کنیم.

بر آن قصدیم که بر محور «کتاب الله» و میزان «عترت»، مطهر باشیم تا لایق درک مطهر شویم!

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ص: ۲۴

۱- ۳۶. اشاره به حدیث سلسله الذهب. قال (علی بن موسی الرضا علیه السلام) سمعت أبا موسی ابن جعفر يقول سمعت ابي جعفر بن محمد علیه السلام يقول: سمعت ابي محمد بن علی (عليهما السلام) يقول سمعت ابي علی بن الحسين (عليهما السلام) يقول سمعت ابي الحسين بن علی (عليهما السلام) يقول: سمعت اميرالمؤمنين علی بن ابي طالب علیه السلام يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول سمعت جبرئيل علیه السلام يقول: سمعت الله جل و عز يقول: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»؛ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا «بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». «لا اله الا الله دژ محکم من است پس هر آن کس که در قلعه و دژ من درآید، از عذابم در امان است». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ برآورد: «به شروطش و من از شروط آنم». (بحار الأنوار جلد ۴۹، صفحه ی ۱۲۳)

... حسین شناسان، چرا مهدی شناسی را دنبال نمی کنند؟!

مگر عاشورا با انتظار بی ارتباط است؟

چرا، دهه ی عاشورا و دهه فاطمیه داریم، اما دهه ی مهدویه نداریم؟!

... اگر دولت و ملت تمام ماه شعبان را گردهمائی و کنفرانسهای مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است.

... جشن های روز جهانی کودک را دیدی، چه کارهائی، چه بودجه ای؟! اما به عین الله که می رسیم چشمانمان را می بندیم، یا وقت نداریم و یا بودجه!!!

... در برابر تهاجم علیه مهدویت چه کرده ایم ...؟! (فرازهایی از نوشتار)

ص: ۳۸

اشاره

اگر دیده باشید قلعه‌ها و دژها دیده بان دارد، دیده بان اخبار بیرون را کسب می‌کند، و به درون دژ و خودی‌ها خبر می‌دهد، به ویژه اگر خطری پیش بیاید، نقش او مانند عین (چشم) است که مُخْبِرِ اخبار و خطرها به مغز است.

امام رضا علیه السلام از قول اجداد خود (علیهم السلام) و از قول خداوند متعال، دین را به قلعه و دژی استوار تشبیه فرموده است. (۱)

این قلعه و دژ برای چیست و به چه کار می‌آید؟

یکی از جوانان خوبمان سؤال می‌کرد که آیا دین، ساخته‌ی ذهن بشر است؟

گفتم: این سخن ممکن است برای آن‌ها که مجسمه‌ی تبلیغات غربی‌ها و مقلد بیگانه هستند، قابل قبول باشد؛ چون در مسیری سیر می‌کنند که هر حقیقتی را وارونه می‌بینند. ولی نزد آن‌ها که تبلیغات پوچ

ص: ۳۹

غرب و اروپا فریبشان نداده و با دین، بیگانه نیستند این مطلب مردود است.

دین، ساخته ی بشر نیست؛ بلکه بشر ساخته ی دین است. آن گاه که بشر به ندای فطرت و عقل خود توجه کند و به اوامر پیشوایان نور گوش جان بسپارد، ساخته می شود و صفات انسانی در وجود او شکفته می گردد و به کمال و رستگاری دست می یابد.

این عامل کمال و رستگاری، همان «دین» است که خداوند متعال برای حفظ آن دیده بان و «عین» قرار داده است. دیده بان خطر را می بیند و به اهل دین خبر می دهد.

حال دو مطلب را دوستانه بررسی می کنیم:

۱ بدیهی است که دیده بان باید ببیند؛ یعنی نباید کور باشد. باید مفسد و خطرات عقیدتی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، سیاسی و ... را بشناسد و درک کند. اگر سارق را نبیند، اگر دشمن را نشناسد، «... کوری بین عصا کش کور دگر شده»؛ این چه دیده بانی است؟!

در یکی از مجلاتی که مطالعه می کردم، به مطلب عجیبی برخوردم؛ نوشته بود «امام زمان باید تجربه بیندوزد»!!!

آقای نویسنده! امام زمان تجربی چه کاری از پیش می برد؟ آن هم امام زمانی که صدها سال تجربه آموخته و هنوز هم محتاج تجربه است!!!

آیا ائمه ی قبل از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علم و آگاهی شان تجربی بوده است یا خدایی؟

اگر امام، به مدرسه و درس محتاج است، چه کسی استاد اوست؟ و اگر استادی داشته باشد، پس استاد باید امام باشد؛ چرا که استاد، اعلم از شاگرد است.

به نظر شما چرا این مطالب در مجلات دینی به چشم می خورد؟ آیا نویسندگان این مقالات جاهل اند یا عالم منحرف؟ و چرا اجازه ی چاپ این مطالب از طرف مسئولین صادر می شود؟

باید بدانیم که منبع و منشأ علم امام، خداوند متعال است. دیده بان قلعه و دژ دین محتاج کسب تجربه و یا علم آموزی از مردم نیست، بلکه تنها نیازمند علم علیم بالذات است.

۲) دیده بان باید صادق و امین باشد. داستان چوپان دروغگو را حتماً شنیده اید، چوپان دروغگو نمی تواند حافظ و نگهبان باشد؛ نمی تواند قلعه و دژ را نگهداری کند.

این جاست که باید گفت: خوشا به حال شیعیان، که اولاً معتقد به علم امامان (علیهم السلام) هستند و ثانیاً معتقد به عصمت و پاکی آنان.

شیعه معتقد است ائمه (علیهم السلام) که دیده بان دژ اسلامند، هم علم الهی دارند و هم عصمت الهی.

ممکن است کسی بگوید: شیعه به چه دلیل این اعتقاد را دارد؟

در جواب می گوئیم: به دلیلی که شرح آن گذشت (دلایل عقلی) و ادله ی دیگر (دلایل نقلی) که در کتب کلامی و متون اعتقادی بحث آن به خوبی آمده است. آیات قرآن و روایات بی شمار بر علم امام و عصمت او دلالت دارد.

مطلب دیگری که باید بررسی شود، شناخت دیده بان واقعی دژ است. ممکن است کسانی به دروغ خود را دیده بان معرفی کنند، ولی مفسد و خطرات را کتمان کرده و نگویند و خود شریک دزد باشند و رفیق قافله؛ و چه بسا سارقین را به دژ راه داده و شرایط را برای بر باد دادن بنیاد قلعه آماده سازند.

این جاست که لزوم بحث امام شناسی مطرح می شود، امت باید در حدّ خود، عین بصیر و نافذ و اندیشه ی صحیح و روشن داشته باشد تا «عین الله واقعی» را بشناسد.

حدیث نبوی «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۱) که در کتب شیعه و عامّه آمده است، وظیفه ی ما را در «معرفت الحیجّه» معلوم نموده است.

کسانی که به دنبال این امر مهم و معنوی نیستند، چه جوابی برای «یوم الدّین آماده کرده اند؟

سفارش های «قرآن و عترت» نسبت به علم آموزی و کسب دانش، سفارش به کسب دانستنی های تجربی و ریاضی نیست؛ اگر چه این علوم و دانستنی ها بسیار خوب و در واقع، فضل است، اما علمِ مطلوب و ذوالمقدمه، معرفت نسبت به «عین الله» و شناخت دیده بان قلعه و دژ اسلام است.

البته تصوّر نشود که دانستنی های تجربی، ریاضی و دانش دانشگاهی مردود اسلام است، هرگز! اگر خوب بررسی کنید می بینید که مؤسس این علوم هم، رهبران اسلامی و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) هستند.

ص: ۴۲

۱- ۳۸.. کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (ینایع الموده، ج ۳ ص ۴۵۶) این روایت به عبارت دیگر نیز در مسانید شیعه و عامه نقل شده است. صحیح مسلم چاپ سعودی ج ۳، ص ۱۴۷۸، کتاب الاماره و نیز تفسیر ابن کثیر ذیل آیه ی شریفه ی { أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ } آورده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که بمیرد در حالی که بیعت امامی بر گردن او نباشد، به مگر جاهلیت مرده است. (در کتاب «شناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی» هفتاد روایت با همین مضمون از طرق عامه نقل شده است.)

«پروفسور مونتگمری وات» (استاد عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان) در کتاب «تأثیر اسلام در اروپا» چنین می نویسد:

«ما اروپائی ها مدیون بودن فرهنگمان را به اسلام نادیده می گیریم. ما اغلب اوقات، گستره و اهمیت تأثیر اسلام را بر میراث فرهنگی مان دست کم می گیریم و بعضی اوقات حتی از آن به کلی چشم پوشی می کنیم. امروزه بر ما اروپاییان غربی است که برداشت غلط خود را اصلاح کنیم و بر دینمان نسبت به جهان اسلام و عرب اعتراف نماییم.» (۱)

چه کسی می تواند دانش اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) را انکار نماید؟

امام صادق علیه السلام با تربیت چهارهزار شاگرد در رشته ها و علوم مختلف دینی و فنون گوناگون در بین اندیشمندان و محققان بزرگ جهان، مشهور و معروف است و چونان ستاره ای می درخشد.

مطلب مورد نظر ما در این جا آن است که کسب معرفت حجت خدا، وظیفه ی بزرگی است که اگر به آن عمل نکنی، از جمیع خیرات و معارف بازمی مانی و به فریب دزدان راه مبتلا می گردی.

صادق و کاذب را باید شناخت و به ولایت صادق و رهبری دیده بان و عین راستین، دل بست.

اگر عین الله و دیده بان خبیر و صادق را نشناسی و به نگهبان سارق و ستم پیشه دل بسپری، نه دنیایت آباد می گردد و نه می توانی آخرتی همراه با نورانیت داشته باشی.

ص: ۴۳

دیدى بنى امیه و بنى عباس و حکام جور قبلی، کسب دانش را مانع شدند و احادیث را دفن کردند؟

«محمد رشید رضا» صاحب «المنار» می نویسد:

«این مسأله (منع نقل و نوشتن حدیث بر فرهنگى اسلامى ضربه ی بزرگى زده که به طور طبیعى جبران ناپذیر مى باشد». (۱)

واویلا! چه بگویم؟ برای فریب انسان ها و کسب به ناحق قدرت ها عین الله واقعی و دیده بان حقیقی را سارق، و سارق را نگهبان و پاسدار معزفی کردند.

از یکی از بزرگان اهل شام سؤال شد «ابوتراب» کیست که او را لعن می کنید؟

پاسخ داد: فکر می کنم یک سارق فتنه گر باشد!!! (۲)

یا علی! «یا عینَ الله الناظرَه وَ یَدَهُ الباسطَه وَ اُذُنَهُ الواعیه!» (۳) قربانت گردم، فدایت شوم، ای اوّل مظلوم! ظلمی که بر تو روا داشتند، در حقّ فرزندت مهدی علیه السلام هم روا می دارند.

پس باید عین الله را شناخت چشم خدا تا کجا را می بیند؟ {فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ}. (۴)

آیا حرف های روشن فکرها را بزیم یا سخن خدا را شنوا باشیم؟

آنها می گویند: امام نابغه است، استعدادش زیاد است، حافظه ی خوبی دارد.

ما می گوئیم: این طرز تفکر از امام شناسی شیعه، که قرآنی است دور است. امام، استاد، معلّم و بزرگ نوابغ است. خوش استعدادان و

ص: ۴۴

۱- ۴۰.. تفسیر «المنار» جلد ۶، ص ۲۸۸.

۲- ۴۱.. مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۴.

۳- ۴۲.. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ی امیرالمؤمنین علیه السلام؛ { ... وَ تَعِيْهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ } در سوره ی الحاقه، آیه ی ۱۲. حاکم حسکانی حنفی می نویسد از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «خداوند مرا امر کرد که تو را نزدیک نمایم و دور نکنم و تو را بیاموزم تا فراگیری و این آیه { وَ تَعِيْهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ } بر من نازل گشت. پس ای علی! تو آن گوش شنوا برای علم من هستی و من شهر و تو دروازه ی آن شهری، و وارد شهر نمی شونم مرگ از در آن». (شواهد التنزیل، جلد ۲، ص ۲۷۴، به ضمیمه ی ۲۱ روایت دیگر با همین مضمون).

۴- ۴۳.. سوره ی توبه، آیه ی ۱۰۵.

حافظه داران عالم، نظر شده ی امامند. امام عین الله است چشم خدا!

خوب فکر کن! می گویم امام «عین الله» است، چشم خدا.

مثلاً آیا امام حسین علیه السلام وقایع کربلا را نمی دانست؟ اسرار را نمی دید؟ از شهادت با خبر نبود؟

البته که می دانست و می دید؛ «عین الله» کور نیست، امّا گاهی این آگاهی را بروز نمی دهد و برای مصلحت و یا مصالحی، مطلب را آشکار نمی فرماید. این مطالب ابتدائیات مدرسه ی شیعه است، ولی بعضی نویسندگان و یا گویندگان غافل اند و یا خود را به غفلت می زنند.

علامه ی بزرگوار مرحوم آقای محمدتقی جعفری (ره) می فرماید:

«علم ماورای طبیعی و تصرف خلاف روش طبیعی در حقوق و مقررات تثبیت شده که از بنده یا مانند خضر بروز کرده است، اثبات کننده ی همین مزیت است که پیشوایان الهی و اولیاء الله دارا می باشند. انکار این حقیقت، یا از عدم اطلاع ناشی می شود و یا از مقایسه ی کار پاکان با مردم معمولی، که از حیات چیزی جز خور و خواب و خشم و شهوت بهره برداری نکرده اند. افرادی که به جهت تخلّق به اخلاق الله دارای علم ماورای طبیعی و تصرف در طبیعتند، به قدری فراوانند که جایی برای بحث و تردید نمی گذارد. در صورتی که بنا به اصول مسلمه ی اسلامی، مخصوصاً عالم تشیع، مقام امام علیه السلام خیلی بالاتر از اولیاء الله معمولی است.» (۱)

تو چرا در واقعه شک میکنی؟

در حیات ظلم را حک میکنی؟

از چه علت منکری تو علم را؟

آگهی آن امامِ حلم را

ص: ۴۵

۱- ۴۴.. بر گرفته از جزوه ی «سخنی کوتاه در علم امام چاپ ۱۸/۶/۵۱ که به شماره ی ۸۲۱ در کتابخانه ی ملی به ثبت رسیده است. این مقاله در روزنامه ی جام جم به تاریخ ۲۱/۱۲/۸۲ شماره ی ۱۱۰۴ منتشر شده است. سزاوار است از مسئول محترم این روزنامه به خاطر درج بعضی از مقالات آموزنده و ولایی تشکر و سپاسگزاری گردد. سلامت و سعادت ایشان و همه ی خدام امام زمان علیه السلام را از خدای متعال خواستاریم.

برتریِ نور حق در چیستی؟

علم غیب رب به نزد کیستی؟

حق مگر قادر نباشد ای فضول!

علم را اعطا نماید بر فحول؟

بانی کعبه چرا ذابح شده؟

در مسیر عشق حق فاتح شده

ذابح و مذبوح هر دو حجتند

در مسیر دین حق در نصرتند

تَهْلُکَه اینجا بود یا فوز رب؟

معرفت دریاب، فاقد از ادب!

تَهْلُکَه، بی عشق مولا بودن است

بی ولا در فکر عقبا بودن است (۱)

از توفیق شرکت در رکاب محمّد و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) باز ماندیم و از حضور در مدرس علی دوم علیه السلام و دو امام دانش و بینش امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) تا امام عسکری علیه السلام دور افتادیم. یک کلاس برایمان باقی مانده است آن، کدام کلاس است؟ کلاس انتظار! ... ولی تو بگو انتظار بدون معرفت «عین الله» چه انتظاری است؟

انتظار، عبادت است اما باید بدانیم منتظر چه کسی هستیم و وقتی او بیاید چه می شود؟ او چه می خواهد؟ او چه می کند؟

«أُذُنٌ سَامِعَةٌ» (۲) او که هم بیناست و هم شنوا ... به بینایی و شنوایی خداوند اشک ما را در فراقش می بیند و «لَيْتَ شِعْرِي» ما را در جمعه های غمبار می شنود.

جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام «أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» بود و او «أُذُنٌ سَامِعَةٌ». هم شنوای امر خداوند است و هم سامع گدایی مأموم.

حسین شناسان چرا مهدی شناسی را دنبال نمی کنند مگر عاشورا با انتظار، بی ارتباط است؟ چرا دهه ی عاشورا و دهه ی فاطمیّه داریم، اما دهه ی مهدویّه نداریم؟!

۱- ۴۵.. سروده ی نویسنده.

۲- ۴۶.. از اسامی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در «نجم الثاقب».

اگر دولت و ملت تمامی ماه شعبان را گردهمایی و کنفرانس های مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است.

جشن های روز جهانی کودک را دیدی؟ چه کارهایی، چه بودجه ای؟! اما به «عین الله» که می رسیم چشمانمان را می بندیم؟ یا وقت نداریم و یا بودجه! ولی واقعیت این است که از عشق عین الله بی خبریم و بعضاً وظیفه شناس نیستیم.

در برابر تهاجم علیه «مهدویت» چه کرده ایم و چه می کنیم؟

البته خادمان مخلصی در صحنه هستند که کمی از زیاد وظیفه ها را انجام داده و با برپایی مجالس، نشر نشریه ها و آثار صوتی و تصویری و یا از طریق فعالیت در سایت های اینترنتی و ... تلاش دارند.

ولی آیا همه ی عاشوراییان به لزوم تشکیل یک دهه همایش امام شناسی، حداقل در ایام ولادت عین الله (حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) توجه کامل دارند؟

عاشوراییان اگر به ده ها روایت در باب خصایص و سیره ی امام حسین و امام زمان علیه السلام توجه نمایند و اگر به شعار یاوران امام زمان علیه السلام (یا لثارات الحسین علیه السلام) دقت کنند و در پیوند فرهنگ عاشورا با انتظار در زیارات و اعمال شب نیمه ی شعبان اندیشه نمایند، تلاشی همانند دهه ی عاشورا، در بزرگداشت دهه ی مهدویّه خواهند کرد.

اینجانب پیشنهادهایی را حدود دوازده سال قبل در بزرگداشت دهه ی مهدویّه، تشکیل مدرسه و کتابخانه تخصصی در موضوع مهدویت و مبارزه با تهاجم مخالفان، حضور بزرگان فقها ارائه دادم، و به عنایت

خداوند متعال به تأسیس مرکزی جامع و مدرسی نافع پرداختم. از جمله فعالیت های این مرکز تشکیل جشن های دهه ی مهدویّه می باشد که به صورت مجالس بزرگ، کنفرانس ها و همایش های تخصصی، با حضور محققان داخلی و خارجی برگزار می گردد.

یک وظیفه ی بزرگ

اولاً برای شناخت و شناساندن معارف مهدوی به کتاب و وسایل دیگر برای مطالعه و تحقیق نیاز است. این وسایل چرا باید فقط در قم و تهران متمرکز باشد مگر شهرهای دیگر نباید امام زمان خویش را بشناسند؟ مهدویون شهرهای دور و نزدیک، داخل و خارج باید با ارشاد مؤسسات تخصصی مهدوی و با یاری اهل خیر، کتابخانه های تخصصی در ارتباط با معارف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأسیس نمایند، و نسل جوان را به مطالعه و بهره برداری از سایت ها، سی دی های آموزنده و کتب سازنده سوق دهند. بحمدالله این مقصد از طرف مرکز تخصصی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان دنبال شده و بحول الله و قوته، قصد داریم ۳۱۳ کتابخانه ی تخصصی با موضوع مهدویت، در داخل و خارج تأسیس نماییم که بعضی از این شعب در داخل و خارج کشور تأسیس شده است.

ثانیاً، برای تأسیس کتابخانه و یا چاپ و نشر کتاب و مجله به ناظران خبیر و متخصصین نیاز است؛ والا چشم باز می کنیم و می بینیم که به جایی دیگر رفته ایم. مثلاً کتاب یا مجله ای بدون توجه، چاپ و منتشر می شود

که ممکن است مبلغ مخالفین مهدویت و انتظار گردد و یا عاملی نفوذی، مقاله ای بر خلاف معتقدات شیعه و امام زمانی ها در مجله یا کتابی چاپ نماید. بی ادبی نسبت به بزرگان دین و تبلیغ غربی ها و مستشرقین، راه دادن به مخالفین ولایت ائمه (علیهم السلام) و مرجعیت شیعه، اختلاف و دودستگی بین مهدویون و مؤسسات مهدوی هیأت های ندبه ای و برگزار کنندگان دهه ی فرخنده ی مهدویّه، خطراتی است که در پیش روی ما قرار دارد.

چنانچه این حرکت تبلیغی مهدوی- یعنی تأسیس ۳۱۳ کتابخانه ی تخصصی پیرامون حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - از طرف همه ی مؤسسات تخصصی مهدوی دنبال شود و مهدویون و هیأت های مذهبی در تهران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ... هر کدام ۳۱۳ کتابخانه ی امام زمانی تأسیس نمایند و با حدود دو هزار عنوان کتاب تخصصی و سازنده ی مهدوی، مساجد و حسینیه ها مدارس و دانشگاه ها را نورافشانی کنند دیگر «بابی» و «بهایبی» چه می تواند بکند.

مهم این است که ما به نسل جوانمان غذای فکری و معنوی سالم برسانیم و راه های سوء استفاده ی دشمنان را مسدود سازیم. البته در تأسیس کتابخانه های مذکور، هماهنگی و همفکری مؤسسات تخصصی مهدوی بسیار مطلوب است. اگر هر کدام از این ۳۱۳ کتابخانه یک جوان متقی و ولایی بسازد، شما ۳۱۳ سرباز برای فرماندهان خاص حضرت ساخته اید و این کار کوچک و کمی نیست.

مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه (علیهم السلام) چند نفر را ساختند؟ عدد، کم بود؛ اما ارزش زیاد: سلمان محمدی الگوی خوبان جهان؛ اباذر استاد أحرار عالم؛

عباس بن علی (علیهما السلام)، سرور و مراد مجاهدان راه خدا؛ حبیب بن مظاهر نمونه رشادت و شجاعت.

ما نباید از قلت یار نگران باشیم. تبسم نگار و دعای دلدار، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما را بس!

خداوند به پیامبر خویش می فرماید: {حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ}. (۱)

مهم این است که به وظایفمان در زمان غیبت عمل کنیم و بدانیم «چشم خدا» ما را می بیند و حتی از خطورات قلبیه ی ما باخبر است. نباید یأس در فکر ما راه پیدا کند. باید بدانیم زمینه برای تبلیغ فراهم است. وسایل ارتباط جمعی می توانند دنیا را به تشیع و راه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوجه سازند.

شما می توانید با یک کتاب «المراجعات» یا «الغدیر» و یا کتاب های فارسی مانند «شب های پیشاور» و «آن گاه هدایت شدم» و هایتون غیر مُعاند را به تشیع نزدیک نمایید.

با یک کتاب «منتخب الأثر» یا کتب فارسی در ردّ بایت و بهائیت مانند کتاب «نصیحت به فریب خوردگان باب و بهاء» (ترجمه ی نصایح الهدی الی من کان مسلماً فصار بابیاً می توانید هادی راه گمشدگان باشید.

مردم به فطرت خداپرستی و حق خواهی خلق شده اند. {فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا}. (۲)

اگر ما بتوانیم حق را خوب تبلیغ کنیم، یعنی اولاً بدون هوا و هوس و ثانیاً به زبان روز، کسی از حق فرار نمی کند، مگر این که لجوج و عنود باشد.

ص: ۵۰

۱- ۴۷.. سوره ی انفال، آیه ی ۶۴.

۲- ۴۸.. سوره ی روم، آیه ی ۳۰.

جوانان، حق خواه هستند؛ جوان، زیبایی را دوست می دارد. اگر شما زیبایی های دین را به او نشان دهید، زیبایی های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای او بیان کنید، چه دلیلی دارد او از دین و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرار کند؟

خانمی مسیحی از آلمان (۱) به مرکز تخصصی حضرت ولی عصر علیه السلام اصفهان آمد و مسلمان گردید. گفتم: چرا اسلام را اختیار کردی؟ گفت آیا شما زیبایی را دوست ندارید؟ گفتم البته. گفت اسلام زیباست و من آن را دوست دارم! در خاتمه عرض می کنم این جانب دست همه ی بزرگان را می بوسم و از آنها در راه مقدس خدمات مهدوی، ارشاد و راهنمایی می طلبم.

و نیز دست هیئتی ها، ندبه ای ها، برگزارکنندگان جشن های دهه ی مبارکه ی مهدویّه و شاعران و مادحین را می بوسم و از آنها برای تأسیس کتابخانه های مذکور و ترویج اندیشه ی مهدوی و تبلیغ فکر انتظار و به دست آوردن رضایت یار، یاری می طلبم.

درخواست دیگرم این است هر کجا این نوشته را خواندید، در ختامش از جان و دل بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، و پس از آن عرض کنید «اللَّهُمَّ عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ». (۲)

باب محبت تو را به بسمله باز کنم

به نام جاودانه ات سخن سرآغاز کنم

اصل «متم نوره وجود اطهرت بود

برای که، برای چه، این سند ابراز کنم؟

ص: ۵۱

۱- ۴۹.. خانم دوریس از آلمان.

۲- ۵۰.. مرحوم آیت الله موسوی اصفهانی (ره) در کتاب شریف «مکیال المکارم» می نویسد «یکی از دوستان صالحم برای من نقل نمود که در خواب مولانا حجه بن الحسن (علیهما السلام) را زیارت کردم و حضرت فرمایشی به این معنا فرمود «همانا من برای مؤمنی که مصیبت جد شهیدم (سیدالشهداء علیه السلام) را یاد نماید و پس از آن برای من به تعجیل فرج و تأیید، دعا کند دعا می نمایم». (مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶).

وجه خدا تویی و بس، بگو کجاست خانه ات

مدد کنی اگر مرا، میل به پرواز کنم

ربیع مردمان تویی، نشاط روزگار ما!

قلوب خستگان ره، به عشق تو ساز کنم

دلم گرفته و خرد، خموش بین قافله

به نام نامی ات شها، علاج صد آز کنم

سفره ی شاهانه ی تو نصیب خلق عالمین

برای جمع عاشقان، سخن به آواز کنم

گر مددی ز یمن تو، رسد به جان خسته ام

به مثل روز عاشقان، کار دو سرباز کنم

شکوه انتظار من! فتح و ظفر به دست توست

خانه ی دل برویم و سرای دل باز کنم

گر فکنی به جان من، موذت الهی ات

سر بدهم به راه تو، سلام جانباز کنم

گر به مهار نفس خود، عنایتی شود مرا

هوی برم، هوا پریم، اوج دو صد باز کنم

در این تهاجم عدو، تو سلم به کوی توست

صبر نمایم و از آن، جلوه ی ممتاز کنم

تلاش بی ولایت، نماز بی وضو بود

روی دلم به عشق حق، یاد تو آغاز کنم

نام تو و مسیر تو، به دل قرار می دهد

قرار دل! بیا برم، به عشق تو راز کنم

گر نظرم به روی تو، فتد آیا حبیب من!

اگر چه «کوچک» ام ولی به عرشیان نظر کنم (۱)

ص: ۵۲

۱- ۵۱. سروده ی نویسنده.

... ما باید اطلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست ...

... آیا در فکر فیلم و سریال بوده که صفا و صلح، وفا و جود امام مهدی علیه السلام را نشان دهیم؟

... آیا اطلاع رسانی از کار و راه دشمن، دسیسه ها و جعل ها و مکرها، وهابیت فرزند استعمار، باییت و بهائیت دست نشانده حکومت‌های طاغوتی داشته ایم؟! (فرازهایی از نوشتار)

ص: ۵۶

بشر می خواهد به سوی کمال و فلاح حرکت کند، و هرگز قاصد راه انحطاط و بدبختی نمی باشد.

مدینه ی فاضله در فلسفه ی افلاطون قبل از میلاد، پیروزی اهورامزدا بر اهریمن در تفکر زردشتیان، تعبیر تورات و انجیل در مورد آینده ی جهان و دیدگاه مثبت هندوئیسم در موضوع فردای عالم، و حتی نگاه ماتریالیست ها و ملحدین، پیرامون اصلاحات امر مالکیت و تشکیل خانواده ی واحد، بیان کننده ی این معناست که بشر به آینده ی خود، خوش بین است و برای به دست آوردن سعادت تلاش می کند.

آن چه مورد بحث و گفت و گوست و با اختلاف آرا رو به رو گشته بحث اصل فلاح و رستگاری است که در کدام مکتب و راه و روش یافت می شود؟ و آینده ی جهان با حاکمیت کدام حاکم و کدام قانون، اداره می گردد؟

اعتقاد ما این است که اسلام دین کامل و کامل‌ترین ادیان و باعث فلاح و رستگاری بشر می‌باشد.

بر اثر مطالعه در قوانین اسلام و مقایسه‌ی آن با قوانین ادیان و مذاهب دیگر، هر محقق منصفی می‌تواند به این نتیجه برسد.

ما حق نداریم عقیده‌ی خودمان را به هیچ کس تحمیل کنیم، (۱) اما حق داریم به همه‌ی مردم دنیا و محققان عالم، پیشنهاد تحقیق داده، و آنها را در این مسیر یاری رسانیم.

اطلاع‌رسانی در موضوع اسلام معرفت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام)، یک واجب دینی و زکات علم محسوب می‌گردد. (۲)

امر به معروف و نهی از منکر، به اطلاع‌رسانی پیرامون خیرات و خوبی‌ها و شرور و بدی‌ها نیازمند است.

اولین مطلب که باید به اطلاع همه‌ی مردم دنیا برسد این است که «فلاح و رستگاری» را می‌توانید در «مکتب اسلام» پیدا کنید.

یکی از پایه‌های مهم خوشبختی علم و دانش است؛ یعنی آگاهی از خود و موجودات دیگر.

بینید دستور علم‌آموزی و فراگیری دانش، در کدامین مکتب آمده است.

اسلام پیشنهاد علم‌آموزی نمی‌دهد، اما فرمان می‌دهد علم بیاموزید و دانش کسب کنید. (۳) اسلام افراد بی‌فکر و بی‌دانش را توییح و سرزنش می‌نماید.

آقا و خانم محقق! به هر دین و مذهبی که بدان مؤمن هستی، روی

ص: ۵۸

۱- ۵۲.. {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ}: سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۶.

۲- ۵۳.. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أَنَّهُ قَالَ: «زَكَاتُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ». (مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحه‌ی ۴۶)

۳- ۵۴.. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «طَلَبُ الْعَمَلِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». (علامه‌ی مجلسی، بحارالانوار، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۲)

آیات قرآن مجید و دستورات اسلام فکر کن و بدون تعصب، بین این مطلب درست است یا نه.

البته ما نباید اعمال بعضی از مسلمان نماها و خلفا و سلاطین را در مخالفت با علم آموزی و کسب دانش، ملاک قرار دهیم و به این دین مقدس بدبین باشیم.

باید به مردم دنیا بگوییم آینه ی اسلام نمایی، «علی علیه السلام» است. ببینید علمش را، با این که زمان به او اجازه نداد علمش را آشکار کند، اما در همه ی علوم، مبدأ و منبع بوده است. مکتب امیرالمؤمنین علی علیه السلام مکتب خودشناسی، جامعه شناسی، طبیعت شناسی، تاریخ شناسی و در نتیجه، خداشناسی است. مکتب امام مهدی علیه السلام هم همین طور است. «فَانَّهُمْ عِشُّ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ». (۱) خاندان پیامبر مانند خود آن بزرگوار، مروج علم و دانش و دشمن جهل و نادانی بوده و هستند.

چرا مکتب انتظار، فلاح آور و باعث خوشبختی است؟ چون امامش عالم، و مأمومش دانش پژوه و طالب علم است.

در مکتب انتظار، علم آموزی ممنوع نیست، تحقیق و بررسی مردود نیست، بلکه بر خلاف روش سران حکومت های استعمار و سیاست های شیطانی، یک امر واجب است.

یکی دیگر از پایه های مهم خوشبختی، عمل به خوبی هاست؛ عمل طبق علم واقعی نه عمل به القائات شیطانی و دستورالعملهای استعماری. اول عالم بشو خودشناسی را پی گیری کن بعد جهان شناسی و سپس خداشناسی را دنبال کن و بعد به عمل پرداز.

ص: ۵۹

بینید دستورالعمل به خوبی ها چه خوب در اسلام آمده است.

آقا و خانم محقق خودش بیاید مطالعه کند؛ هم علم اسلام را و هم عمل اسلام را. وقتی خوب بررسی کرد، می فهمد اخلاق خوب، اعمال خوب، در اسلام وجود دارد. البته اسلامی که آئینه اش، اصحاب خوب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بالاتر از آنان عترت (علیهم السلام) هستند.

امروز امام مهدی علیه السلام که وارث عترت (علیهم السلام) است، عملش مثل علم او بهترین و برترین عمل هاست.

لذا از ما تقوا می خواهد خوبی می خواهد، سفارش امام مهدی علیه السلام به همه ی انسان ها علم آموزی و عمل به سجایای انسانی و دوری از ظلم و ستم می باشد.

ما باید به متدینین ادیان مختلف و به اهل سنت اطلاع رسانی کنیم که محمّد صلی الله علیه و آله و سلم، همان «پر کلیوس» (۱) (Perikleos) به معنای بسیار ستوده می باشد که به خاطر علم و عملش در بین انبیا و رسل و میان اولیا، بدین نام معروف و مشهور است.

هم چنین کلام خداوند در کتب قبل و صحف سماویه، مدحش را به خوبی بیان می دارد: {يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ} (۲) و امروز وصی او، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با همه ی بزرگی او به غیر از سمت نبوت و رسالت در میان اولیای الهی و سفیران ربّانی بسیار ستوده است.

رمز این که نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «م. ح. م. د.» (۳) است چیست؟

ص: ۶۰

۱- ۵۶.. این لغت که در اصل یونانی است از پیشوند «peri» به معنی «خیلی» است که همان حکم «تر» و «ترین را در زبان پارسی دارد و لغت «kileos» به معنی «ستایش حمد، شکوه و جلال» است. پس این واژه به معنی «بسیار ستوده» است که در عربی مترادف «محمّد» و «احمد» صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. (به کتاب مصقل صفا، میرسیداحمد علوی، صفحه ۱۸۴ مراجعه فرمایی)

۲- ۵۷.. سوره ی اعراف، آیه ی ۱۵۷.

۳- ۵۸.. بنابر نظر کثیری از علمای شیعه، نام بردن از حضرت ولّی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اسم اصلی آن حضرت که همان نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، در زمان غیبت حرام است.

تا به حال به این مطلب برخورد کرده اید؟

هم نام پیامبر اسلام، همان که قبلاً گفتیم، «محمد»، «بسیار ستوده»، «پرکلیوس Perikleos» ... چرا ...؟

این یک اتفاق نیست، یک کار بدون فکر ... بدون دلیل ... اسم امام مهدی علیه السلام را اسم پیامبر قرار داده اند البته می دانید که القاب و کنیه های امام مهدی علیه السلام فراوان است، و یک اطلاع رسانی وسیع و عمیق برای همگان می طلبد. ولی سخن ما در این جا بر سر اسم آن حضرت است، چرا اسم او «م. ح. م. د» است «بسیار ستوده یعنی چه؟

چرا ستوده است، چه کسی او را مدح می کند برای چه؟

۱. برای علمش؛ که فوق همه ی علم هاست، خداوند علم او را ستوده است. {مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ} (۱) امروز، اوست.

امام مهدی علیه السلام، علم و دانش به تکوین و جهان آفرینش دارد و از ذره تا کهکشان، کوچک و بزرگ عالم، بزی و بحری، آسمانی و زمینی را می بیند و می داند. «تالی کتاب تشریح» است، «ترجمان کتاب الله» (۲) است، قرآن ناطق، عالم به حقایق و دانا به دقایق می باشد.

۲. برای عملش؛ امام مهدی علیه السلام بهترین عامل به قانون خداوند است، عبادتش فوق عبادت هاست، صبرش فوق همه ی صبرهاست، تو بین چندین قرن است منتظر فرمان خداوند است تا عدل را بیاورد و تاریکی را برطرف سازد. این کار چه مقدار صبر می خواهد؟

و تا ظهور، پیش نیاید و مردم، علمش را نبینند، و عملش را درک نکنند، تا زیبایی های او آشکار نشود و شیرینی علم و عمل، حکم و عبرت،

ص: ۶۱

۱- ۵۹.. {وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِيًّا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ}. (سوره ی رعد آیه ی ۴۳) عن ابی سعید الخدری قال: سألت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم عن قول الله تعالى: {وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ}، قال: ذَلِكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (شواهد التنزيل، جلد ۱، صفحه ی ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا ابن حنفيه ابن عباس و ابی صالح)

۲- ۶۰.. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ». (مفاتيح الجنان، زیارت آل یس (علیهم السلام)

حکومت و ولایت، سجایای اخلاقی و عرفانی وی برای لایقان ظاهر نگردد، هیچ کس نمی تواند معنی «بسیار ستوده» و حتی «ستوده» را درک نماید.

پس حالا بگویید: یا مهدی! یا صاحب الزمان! اسم نبرید، در «ستوده» و «بسیار ستوده» می مانید، نمی توانید درک کنید. ولی ظهور که آمد، پرده کنار می رود و مثل آشکار شدن تسبیح، خداوند متعال برای اهل کمال، مدح عالی و دانی را می فهمی؛ غزل خوانی موجودات تمجید جمادات و نباتات و حیوانات. (۱)

چه می گویی؟! «ستوده» را بزرگان عالم مدح می کنند، حتی «عیسی» به وزارتش قیام می کند (۲) و {تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ} (۳) که فرمانش را استماع و با فوریت، مُجری می باشند.

ما باید اطلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست مگر خودمان ظهور را دیده ایم؟

نه، اما از صادق مصدق به ما رسیده است، از قرآن، از حدیث معتبر فریقین.

دشمنان، ظهور را بد جلوه می دهند، انتقام! خون! خون ریزی! ما چه کرده ایم و چه گفته ایم؟

آیا در فکر ساختن فیلم و سریال بوده ایم که: صفا و صلح و وفا و جود امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نشان دهیم؟

نه از خودمان، بلکه از قرآن، از اخبار، از تاریخ، از تشرّفات حقیقی. از این انقلاب ۲۵ سال گذشته است، نه دشمن به ما فرصت داده و نه

ص: ۶۲

۱- ۶۱.. {وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ}. (سوره ی اسراء، آیه ی ۴۳)

۲- ۶۲.. از مطالب منصوصه ی در احادیث فریقین، اقتدا و وزارت حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیهما السلام نسبت به حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه است. جابر بن عبدالله گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «... عیسی بن مریم نازل می شود و امیر و امام مؤمنین به او فرماید: بیا و برای ما نماز بگذار. عیسی گوید: نه، بعض شما بر بعض دیگر امیر هستید...» (صحیح مسلم جلد ۱، صفحه ی ۵۵، مسند احمد بن حنبل، جلد ۳، صفحه ی ۳۴۵؛ کفایه الطالب گنجی شافعی، صفحه ی ۴۴۹) گنجی، پس از نقل این روایات گوید: «امیر مسلمین در این روز، مهدی علیه السلام است» و سپس می نویسد: «تقدّم امام مهدی علیه السلام بر عیسی علیه السلام، دلیل بر برتری و افضلیت او بر عیسی علیه السلام می باشد».

۳- ۶۳.. سوره ی قدر آیه ی ۴. در تفسیر قمی ذیل آیه ی شریفه آمده است: «ملائکه و روح القدس بر امام زمان نازل می شوند و آن چه از مدّت عمرها و امور ارزاق و هر چه اتفاق خواهد افتاد را که نوشته اند، به محضر او تقدیم می کنند».

از فرصت کمی که داشته ایم استفاده کرده ایم؟!

در زمان کسب اطلاعات و عصر اطلاع رسانی کوفه و سهله که مفرّح اولیا و مفرّج ستمدیدگان بود، لگدمال کفر بعث و ستم غرب و تجاوز اروپا گردید؛ ولی جمکران چه ...؟!

آری ... در پایگاه بزرگ شیعه، پایگاه بزرگ مهدویون، تغذیه ی دنیا، دانشگاه ها، تشنگان خارجی و داخلی ...

آیا اطلاع رسانی کردیم که امام ما حاکم جانی مستبد، قاتل سلطان بی رحم و دیکتاتور نیست، و مظهرِ {یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ} (۱) می باشد؟

اگر مدح حضور و ظهور را، اگر جود و کرم مظهرِ کریم و جواد را، اگر مهربانی و رأفت نماینده ی رحمان و رحیم را، اگر رحم و دلسوزی ذخیره ی خداوند را، اگر اخلاق وارث محمّد و احمد، نماینده ی فارقلیطا (۲) (paraglita) و پرکلیوس « perikleos » و امیر عیسی و سلطان خوبان را به خوبی با سند معتبر، بیان داریم و عطر «معرفه الحجّه» را با وسایل ارتباط جمعی به مشام مردم دنیا برسانیم، چه می شود؟!

کار دشمن، زار شده و دنیا میدان کارزار می گردد، مردم می گویند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»؛ همه می گویند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» و این است که استعمارگران می خواهند از ظهور جلوگیری کنند.

همین الآن با این که ما در اطلاع رسانی سست هستیم دشمن یک مطالبی را فهمیده، کوفه را می زند مسجد سهله را خراب می کند، سامرا را مورد حمله قرار می دهد و گاهی از «مهدی» و جای او سؤال می کند.

ص: ۶۳

۱- ۶۴.. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، صفحه ی ۶۹۶.

۲- ۶۵.. «فارقلیطا» واژه ای سریانی است که از اصل یونانی «پریقلیطوس» به معنای «بسیار ستوده و پسندیده» مشتق شده و این معنی مترادف واژه های «محمد و احمد صلی الله علیه و آله و سلم» می باشد. (به کتاب ارزشمند «انیس الأعلام فی نصره الإسلام» جلد ۱، صفحه ی ۱۳ مراجعه فرمائید).

در مورد گم‌شده‌ی انسان که «فلاح و خوشبختی» است، زمینه‌ی اطلاع‌رسانی در مردم جهان فراوان است.

اما اطلاع‌رسان لایق با نیت صادق کم است. شما مستبصرین را ببینید، (۱) وقتی با آن‌ها سخن می‌گویید و از اسلام آوردن آن‌ها یا شیعه شدن آن‌ها می‌پرسی، خیلی ساده می‌گویند: (مثلاً) یک کتاب از شهید مطهری خوانده‌ام، یا یک کتاب از علامه امینی (ره)، یا یک کتاب از سلطان الواعظین (ره). این چه تشنگی است از کجا مردم دنیا این اندازه تشنه شده‌اند، از همه‌ی ملل، از غرب از اروپا از آفریقا و غیره، چه شده است...؟! چه عامل و عواملی مردم دنیا را تشنه حقیقت کرده است؟

مردم دنیا دیدند صلح‌خواهی دروغین حکومت‌های غربی و اروپایی را. مشاهده کردند پاپ و اسقف‌ها چه مقدار به حق ستم‌دیدگان، بدون اعتنائند. دانش پژوهان، مخالفت علمای ادیان با علم و دانش را مشاهده نمودند. علما و دانشجویان سنی در کتب حدیث و تاریخ، منع حدیث و دفن علم و ستم به بیت علم و عمل را نظاره کردند. به کجا پناه ببرند؟

در گذشته، سرخوردگان از ادیان و مذاهب منحرف و محرّف، به ماتریالیسم و الحاد پناه می‌آوردند.

ولی در این زمان با این همه سستی ما در اطلاع‌رسانی، نشر بعضی از آثار بزرگان در معرّفی اسلام و تشیع و ارتباط حوزویان و دانشگاهیان اعمّ از داخل و خارج، باعث شده است متدینین به ادیان غیراسلامی و مذاهب غیرشیعی به «دانشگاه علوی و مهدوی» پناه آورند و با نوشتن کتاب به زبان‌های مختلف دوستان و هم‌وطنان خود را بیدار نمایند.

ص: ۶۴

۱- ۶۶.. منظور، ره‌یافتگان به مکتب قرآن و عترت (علیهم السلام) می‌باشند.

نمی دانم تا به حال فکر کرده اید که چرا قبل از بعضی زیارت نامه ها، گفتن «الله اکبر امر شده است؟ مثلاً قبل از خواندن زیارت جامعه که دانشگاه جامع و بزرگ «معرفت الحجّه» می باشد مأموریم صدبار «الله اکبر» (۱) بگوییم؛ چرا؟

برای این که به غلو مبتلا نشویم. غلوزدایی، درست است. مکتب ما با افراد غالی مخالفت کرده است. ما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان (علیهم السلام) را خدا نمی دانیم، عبد می دانیم؛ ولی عبدی که بالاترین رتبه و مقام و جاه را در پیشگاه خداوند دارد.

ولی مطلبی را که در مقدمه ی «سه رساله درباره ی حجه بن الحسن العسکری علیه السلام» آورده ام و شاید مطلب خوبی باشد، این است که ما باید از خداشناسی شروع کنیم، «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ». (۲) زائر هم گوید: «الله اکبر الله اکبر»، عظمت و بزرگی خداوند متعال را درس می دهد، «الله اکبر» می گوید: خداوند متعال، بزرگ تر است از اینکه توصیف شود و به وصف آید. مگر امام، خلیفه و ولی «الله اکبر» نیست؟ خدای اکبر باید خلیفه و ولی اش، «اکبر» باشد مگر امام را می توان وصف نمود؟ مگر می توان کُنه عظمتش را شناخت، فقط می توان گفت به بزرگی خداوند، بزرگ است. بزرگی او از خداوند است، نماینده و نمایش دهنده ی قدرت و علم و بزرگی حق تعالی است.

پس وقتی خدای متعال را به بزرگی شناختی، ولی و خلیفه ی او را هم به بزرگی وصف می کنی. عبارات زیارت جامعه یا زیارت مطلقه را

ص: ۶۵

۱- ۶۷.. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ی کبیره.

۲- ۶۸.. علامه ی مجلسی، بحار الأنوار جلد ۵۲، صفحه ی ۱۴۶.

تصوّر نمی کنی غلو باشد؛ بهانه گیری نمی کنی، وهابی زده نمی شوی، معجزه و شفاعت را شرک نمی دانی و رد نمی کنی.

این اطلاع رسانی عرفانی برای درک معارف شیعه لازم است، برای شناساندن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ضرورت دارد.

آقا و خانم محقق! ما سخن از یک شخص عادی نمی گوئیم. در این کتاب در این روزنامه یا فصل نامه، در این سایت، سخن از «خلیفه الله» و «ولی الله» است. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک عالم و عابد، یک اندیشمند و فیلسوف، یک فقیه و محقق نیست، او عین علم و اندیشه عین بندگی و معرفت و کمال است. مدرّس بزرگ در مدرّس بزرگ هستی. آنچه خوبان همه دارند، او تنها دارد. او خلیفه و ولی خداوند است. پس امام زمان را بشناس؛ نه با آئینه ی سخنان بیگانه. مستشرقین، غربی ها و اروپایی ها که امام را یک دانشمند و یا نابغه، معرّفی می کنند و نه با آئینه ی استعمارگران که امام را یک خشونت گرا تعریف می نمایند.

بالای منبرها، حدیث «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» (۱) را برای مردم بیان نمودن، این یک وظیفه است.

«هشدار! هشدار! اگر او را شناسی، مرگت مرگ جاهلیت خواهد بود.» ولی چه منبعی و چه مأخذی برای شناخت در اختیار مردم قرار دادیم؟

شیعه ی افریقا نه، که با رنج های فراوانِ بعض مبلّغین دلسوز شیعه شده است؛ شیعه ی اروپا و امریکا نه ... شیعه ی ایران خودمان، کتاب

ص: ۶۶

۱- ۶۹.. کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (قندوزی حنفی، ینابیع المودّه، جلد ۳، صفحه ی ۴۵۶) این روایت به عبارات دیگر نیز در مسانید شیعه و عامّه نقل شده است. صحیح مسلم، چاپ سعودی، ج ۳، صفحه ی ۱۴۷۸، کتاب الاماره) و نیز تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه ی شریفه ی {اطيعواالله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم} آورده است: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود کسی که بمیرد در حالی که بیعت امامی برگردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است.» (در کتاب «شناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی»، هفتاد روایت با همین مضمون از طریق عامّه نقل شده است)

می خواهد کتابخانه، مدرّس، مشوّق، ولی بعضی از بزرگان ما به «فقه اصغر»، شرح «عروه الوثقی» و «شرایع» و «جواهر» پرداختند، و «فقه اکبر» (۱) در تدریستان نیامد. یک روز هفته «جامعه، جامعه، جامعه» (۲) را بخوانند و بدانند و تدریس کنند.

«عاشورا، عاشورا، عاشورا» یک متن درسی حوزه باشد. برای ندبه آل یاسین، یک کلاس بزرگ نداشته ایم؛ برای همین می بینید کفایه خوان ما پاسخ گوی شبهات و سؤالات نیست.

آیا از کار و راه دشمن دسیسه ها، جعل ها و مکرهای وهابیت فرزند استعمار باییت و بهائیت دست نشانده ی حکومت های طاغوتی، اطلاع رسانی داشته ایم؟

چند مدرسه و دانشگاه عترت شناسی، چند کلاس اطلاع رسانی در باب نقشه های استعمار، تفرقه افکنی مخالف و سرقت اعتقادات داشته و داریم.

پیشنهاد ۳۱۳ تأسیس کتابخانه ی تخصصی درباره ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای بعضی بیان می کردم؛ یک دوست که نافهمی اش برای مکتب، از تیر دشمن خطرناک تر است، گفت با این پیشنهادهای بزرگ مردم را فراری می دهید! به نظرم این کارها ضرورت ندارد! گفتم این پیشنهاد، فقط برای یک شهر است. هر شهر و یا هر استان حدّ اقل باید ۳۱۳ کتابخانه ی تخصصی درباره ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته باشد. (۳)

شما این عدد را برای دنیا بزرگ می دانی!؟

ص: ۶۷

۱- ۷۰.. مقصود از «فقه اکبر» علم کلام و عقاید است.

۲- ۷۱.. اشاره به فرمایش حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سید رشتی در تشرف منقول در مفاتیح الجنان محدّث قمی (ره).

۳- ۷۲.. بحمدالله با توجّهات خاصّه ی مولانا حجّه بن الحسن العسکری ارواحنا فداه برخی از این شعب در داخل و خارج کشور به بهره برداری رسیده است.

آقای شیعه! شیعه ی متمکن! خیر الحاج! مردم عاشق از این پیشنهادها فرار نمی کنند، شما فرار می کنید!!

دولت برای جشن کودکان پول دارد؛ شما برای جشن تولد فرزند و نوه پول دارید؛ سفره ها و عقد و عروسی های آنچنانی با آن همه خرج و اسراف؛ اما به کارهای فرزند فاطمه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که می رسیم، مخالفت می کنیم... این پیشنهاد، بزرگ است! این توقع، چنان و چنین است؛ بازار بد است، بودجه نیست وقت نیست و ده ها بهانه ی دیگر؛ همان بهانه های اصحاب بی وفای ائمه ی قبل از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زبان شما تکرار می شود.

ولی مردم غالباً آماده اند؛ به شرط این که به آن ها اطلاع رسانی کنیم. حتی مردم غرب و اروپا آماده اند به صف مهدویون پیوندند، ولی راه را نمی شناسند؛ از مهدی علیه السلام خبر ندارند و سرگردان و حیران مانده اند.

چه کسی باید کتابخانه تأسیس کند و نشریه ی مهدوی نشر دهد؟ در مساجد، حسینیّه ها دانشگاه ها، مراسم دعای ندبه کتابخانه، نوار خانه، سایت، به زبان های زنده دنیا.

به یقین این کار، کار ماست. امّا ما برای خودمان کار می کنیم؛ داعی به نفس، یا داعی به سوی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؟! ... تفاوت می کند. از کجا و برای که بگویم...!؟

یا مهدی! روحی فداک

سید محمود بحر العلوم میردامادی

۱۳۸۳/۴/۷ ادامه دارد ...

ص: ۶۸

۴ - ... با که و برای که بگویم!?!

ص: ۷۲

برای که بگویم، که از باء بسم الله تا آخر کتاب وحی، آیه های فراوانی وصف تو را می گوید!

آری! تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده ای که در اندیشه زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری.

ص: ۷۴

* ۴- ... با که و برای که بگویم!!

با که بگویم!؟

با که و برای که بگویم؟

برای که بگویم که از «باء» «بسم الله تا آخر قرآن، آیه های فراوانی، وصف تو را می گوید؟ (۱)

تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده ای که در اندیشه ی زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری!

هر چه سخن از عدل و قسط گفته شود، هر کنفرانس و همایشی در موضوع عدالت و شرف انسانی، برگزار گردد، چشم فطرت گویندگان و برگزارکنندگان، به وجود مطهر توست، {فَطَرَتَ اللهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا} (۲) از تو سخن می گویند، اما تو را نمی شناسند، از خوبی هایت، از کمالات، اما آدرس تو را ندارند.

با که بگویم که «غیب در آیه ی {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} (۳) تویی، {أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} (۴) به کسانی گفته می شود که به تو مؤمن باشند.

ص: ۷۵

۱- ۷۳.. تفسیر یا تأویل بیش از ۲۴۰ آیه در قرآن در موضوع مهدویت می باشد.

۲- ۷۴.. سوره ی روم، آیه ی ۳۰.

۳- ۷۵.. سوره ی بقره، آیه ی ۳. عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزَّوجلَّ: {هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} قَالَ: «مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ». (بحار الأنوار، جلد ۵۱، صفحه ی ۵۲) فقال (الصادق علیه السلام): «وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ ...». (بحار، جلد ۵۲، صفحه ی ۱۲۴)

۴- ۷۶.. سوره ی بقره، آیه ی ۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می کنند و بر محبت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه ی ۴۱۴) عن جابر الأنصاری عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: «طوبى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طوبى لِلْمَقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ {وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ...} (بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه ی ۱۴۳)

چگونه می توان منکر «غیب» شد روح، عقل، فکر و اندیشه، کجاست؟ آن ها را نمی بینیم ولی از آثار، پی به آنها می بریم.

از ساختمان هستی می فهمیم خدایی که از دید جسمانی ما «غیب» است حکیمانه، مهندسی این ساختمان بزرگ را نموده است.

جهان چون خطّ و خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست راستی! آیا کسی می تواند منکر خدای شود؟ هرگز ماتریالیست دروغ می گوید، اصلاً ماتریالیست در کلّ عالم وجود ندارد. این ها قیافه ی ملحد و منکر را به خود می گیرند. مگر بنای ساختمان را کسی منکر می شود ماتریالیست های پشیمان زیادند تاریخ آن ها خواندنی است، یک بدی از دین دارها دیده، عصبانی شده و منکر خدا گشته اند؛ بعد به فکر آمده اند که مگر می شود ساختمان جهان هستی بدون بنا باشد؟! پشیمان شده و از الحاد برگشته اند.

همان طور، کسی نمی تواند منکر پیامبر بشود؛ قرآن را که آورده؟ پیام آور چه کسی بوده است؟ این آثار، این سنّت بزرگ، این دانشگاه عظیم ... از اثر، پی به مؤثر می بریم و به وجود پیامبر، که او را ندیده ایم اقرار می نماییم.

از آثار عترت، از نهج البلاغه، ادعیه، زیارات بیانات، شاگردان، اصحاب، تاریخشان، دوستی ها دشمنی ها، به وجود مطهر آنان علم پیدا کرده، نادیده را خریدار می شویم.

مخالفی از مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام به یک شیعه ی بیدار

اعتراض کرده که: چه می گوئید، روز تاسوعا و عاشورا! این همه سر و صدا و شلوغ راه می اندازید؟ یک حسینی آمد و کشته شد و تمام شد!

شیعه ی بیدار در جواب آن مخالف کج گفتار گفت: این که اصل وجود امام حسین علیه السلام و شهادت را قبول داری، به جهت همین سر و صدا و شعارهاست؛ و الا اگر این آثار نمی بود، اصل وجود حضرت را منکر می شدی و واقعه ی عاشورا را رد می کردی.

و اضافه کرد ما در مورد «غدیر خم» کم کاری کردیم، شما دلالت غدیر را به ضعف کشانیدید (۱) و الحمدلله اصل غدیر، ثابت و آیات و روایات و قراین بزرگ، به دلالت آن دلالت دارند.

ای امام! تو به مانند اجدادت صاحب اثر و ثمری، {كَشَجَرِهِ طَيِّبِهِ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ} (۲) چه بزرگی ای بزرگ! بقای اسلام اثر توست؛ {إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ} (۳) قرآن با آن همه دشمن حفظ شده، نقطه ای از آن کم و زیاد نشده، عنایات خاصه ی تو نگهبان است.

«كُهوفٌ كُتِبَ» (۴) در کلام علی علیه السلام مربوط به شما هم هست.

ای كهف امین و خورشید پرده نشین! اگر عنایات حضرت نبود، ۱۲ قرن نه، ۱۲ روز هم اسلام باقی نمی ماند.

مگر دشمن را نمی بینیم؟ مگر از قدرت دشمن بی خبریم؟ مگر از اتحاد سران کفر و الحاد آگاهی نداریم؟ دلخوشیم که دانشگاه بزرگ اسلام تحت اشراف مدیر و مدبری چون تو حفظ و پاسداری می گردد.

با که بگویم شجره ی بهشتی در قرآن نظر به عظمت تو و آبائت دارد.

{لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ} (۵) یعنی چه؟ به آدم می گوید تو مقامت،

ص: ۷۷

۱- ۷۷. اشاره به برخی تفسیرهای جاهلانه یا مغرضانه از معنای «ولی» در حدیث شریف و متفق علیه «غدیر».

۲- ۷۸. سوره ی ابراهیم علیه السلام، آیه ی ۲۴. عن سلام بن المستنیر، قال سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: {كَشَجَرِهِ طَيِّبِهِ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا} ... قال: «الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم نسبه ثابتٌ في بني هاشم و عُصْبَةُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ فرع الشجره عليُّ أمير المؤمنين عليه السلام و اغصان الشَّجَرَةِ وَ ثَمَرُهَا الْأَثَمَةُ (عليهم السلام) و ورق الشجره الشيعة ...» (الصفار بصائر الدرجات، صفحه ی ۷۹)

۳- ۷۹. سوره ی حجر، آیه ی ۹. اهل ذکر (قرآن) و وسیله ی الهی برای حفظ آن، اهل البيت (عليهم السلام) هستند. حارث گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی این آیه ی شریفه سؤال کردم، فرمود: «والله! ما اهل ذکر و اهل علم و معدن تأویل و تنزیل هستیم». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ی ۴۳۲)

۴- ۸۰. شرح نهج البلاغه، جلد ۱، صفحه ی ۲۹.

۵- ۸۱. سوره ی بقره، آیه ی ۳۳. به معانی الأخبار شیخ صدوق، صفحه ی ۱۰۸ مراجعه کنید. در تفسیر امام علیه السلام روایت شده است «این شجره، شجره ی علم محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بود که اختصاص به ایشان دارد و سایر خلق را زان آن، نصیب و بهره ای نیست. (تأویل الآیات الباهرات، صفحه ی ۱۹؛ تفسیر صافی، جلد ۱، صفحه ی ۱۱۶)

مقام محمد و آل محمد (علیهم السلام) نمی شود، تو علی و مهدی (علیهما السلام) نمی شوی. به حوّاء می گوید تو زهرا علیها السلام نمی شوی!

اینجا به متفکران و مصلحان می گویم هر مقدار از بزرگی فکر و اندیشه را دارا باشید و در مورد صلح جهانی، قیام به بیان قلم و قدم انجام دهید مهدی نیستید و نمی شوید. مهدی علیه السلام هدایت شده ی الهی «عَلِمَ مَنْصُوبٌ وَعِلْمٌ مَّصْبُوبٌ» (۱) است؛ کدام آیه در شأن شما نازل شده که «عَلِمَ مَنْصُوبٌ» باشید و چرا اگر «عِلْمَ مَنْصُوبٌ» اید، مدرسه و دانشگاه رفته اید؟ چرا به استاد محتاج بوده و هستید؟!

{لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ} با آدم و حوّاء می گوید: مقام این خانواده استثنایی است. نکند رتبه و جایگاه این ها را تمنا کنی! و در واقع به همه ی آدمیان می گوید: حساب ها را جدا کنید. در مورد اصلاح بشریت بگوئید و بنویسید، اطلاع رسانی کنید مردم را به صلح و صفا عدالت و کرامت دعوت کنید، اما نه بر مبنای فکر خودتان. شما به آن چه واقع است احاطه ندارید، شما مظهر خدای محیط نیستید، {مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ} (۲) فرد دیگری است که هم کتاب تکوین را می داند و هم کتاب تشریح را مُدْرَس است. قیاستان صد در صد اشتباه است. مگر علی علیه السلام نفرمود: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ». (۳)

علامه ی روزگار که باشید و سلمان زمان، شاگرد کوچک مدرس علوی و مهدوی هستید؛ تازه، با منتی که خدای متعال بر شما دارد {لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ...} (۴) منت این که قبولتان کردند و در مدرسه رسالت و دانشگاه سلاله ی نبوت «مهدی هذه الأمة» (۵) نامتان را نوشتند.

ص: ۷۸

-
- ۱- ۸۲. «السلام عليك أيها العلم المنصوب و العلم المصوب» (زیارت آل یس (علیهم السلام))
 - ۲- ۸۳. {وَوَيْقُولَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ}. (سوره ی رعد آیه ی ۴۳) عن ابی سعید الخدری قال سألتُ رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم عن قول الله تعالى {وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ} قَالَ: «ذَلِكَ اخي علي بن أبي طالب عليه السلام». (شواهد التنزيل، جلد ۱، صفحه ی ۳۰۷ به همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنفيه، ابن عباس و ابی صالح)
 - ۳- ۸۴. نهج البلاغه، خطبه ی ۲.
 - ۴- ۸۵. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۶۴.
 - ۵- ۸۶. کلینی، اصول کافی، جلد ۱، صفحه ی ۲۴۳.

نه مصلحید نه امام و نه باب امام؛ اشتباه بزرگ را نفس، القا می کند، شیطان بزرگترش می کند یا بالعکس، نفس اژدرهاست ... وای از نفس! واویلا از شیطان پرستی و شهرت خواهی! استعمار دنبال مصلح هایی می گردد که هنوز خودشان را نساخته می خواهند جامعه را بسازند، و امروز باید بیشتر از دیروز ترسیم که دچار مسیرهای شیطانی و هابیت، بایت بهائیت و فرقه های صوفیه نشویم و «حزب شیطان» را به جای «حزب الله یار نگیریم».

با که بگویم؟ با شما! با شما که نور و ظلمت را یکسان گرفته اید، بلکه ظلمت را به جای نور تبلیغ می کنید. با شما! با شما که سقیفه را جای {فی بیوت اذن الله ان ترفع ...} (۱) آدرس می دهید؟

آیا در دعای قرآنی {اهدنا الصراط المستقیم} (۲) سقیفه را منظور دارید یا خانه ی عترت را؟

گمان ندارم این قدر با کتاب، تفسیر و تاریخ بیگانه باشید. نکنند خود را به بی عقلی زده اید! نکنند که عمداً کور شده، احادیث را در باب «صراط مستقیم»، «بیوت»، «پاکان» (۳) و «شجره ی طیبه» عمداً فراموش می کنید!

{من کان فی هذه اعمی ...} (۴) نمی ترسید فردا هم کور وارد محشر شوید؟

انسانید یا خفّاش؟ پس چرا از نور فرار می کنید؟ چرا {مشکات} را درست ترسیم نمی کنید؟ چرا {مضیباح} را درست تدریس نمی کنید؟ چرا در دانشگاه های بزرگ اسلامی، {یکاد زیتها یضیء} (۵) را کاملاً تعریف نمی نمایید؟

ص: ۷۹

۱- ۸۷. سوره ی نور، آیه ی ۳۶. انس بن مالک و بریده گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود {فی بیوت ... تا و الأبصار}. مردی برخاست و عرض کرد ای رسول خدا! این خانه ها، کدام خانه است؟ حضرت فرمود: «خانه های انبیاء (علیهم السلام) است». پس ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه ی علی و فاطمه (علیهما السلام) اشاره می کرد، گفت: یا رسول الله! آیا این خانه هم از جمله ی این بیوت است؟ حضرت فرمود: «آری! از برترین آن خانه هاست». (شواهد التنزیل جلد ۱، صفحه ی ۴۱۰) باید از خلیفه پرسید که آیا خانه ای که چنین عظمت و جایگاهی دارد شایسته ی آن بود که دستور آتش زدنش صادر شود؟! ...

۲- ۸۸. سوره ی حمد آیه ی ۶ (جهت توضیح بیشتر، رجوع شود به پی نوشت شماره ی ۷ (از مقاله ی آینه ی زیبایی ها))
۳- ۸۹. سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳. (توضیح بیشتر را در پی نوشت شماره ی ۱۲ (از مقاله ی آینه ی زیبایی ها) خواهید دانست).

۴- ۹۰. سوره ی اسراء، آیه ی ۷۲.

۵- ۹۱. سوره ی نور، آیه ی ۳۵. ابن مغزلی از بزرگان اهل سنت در ضمن روایتی، منظور از {مشکات} حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام و مقصود از {مصباح} را امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و {یکاد زیتها یضیء} را با عنوان «نزدیک است که علم از آن (شجره) بجوشد» معنی می کند. (مناقب ابن مغزلی صفحه ی ۲۶۴)

خدیا! چه می گویم؟ با که بگویم...؟! با که بگویم که امروز مصداق {لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ} (۱) مهدی آل محمد علیه السلام است نه پاپ ها، اسقف ها و مصلح های ادعایی.

علمای شیعه در زمان غیبت، خود را ریزه خوار سفره ی علمی و معنوی حضرت مهدی علیه السلام می دانند و هرگز خود را مصلح مطلق، هادی معصوم و حتی باب آن حضرت نمی دانند.

باید دانست «هادی در آیه ی شریفه، برابری «هادی» را با «مُنْدِر» می رساند. «مُنْدِر بِنای ساختمان اسلام است و «هادی» عِلّت مُبْقِیه. (۲) فقط هادی نبی و رسول نیست و دین جدید نمی آورد، بلکه وقتی بَدَع و خرافات را کنار می زند و با جهالت مبارزه می کند، بعضی فکر می کنند دین جدید آورده است.

سَنّت او سَنّت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است؛ (۳) اهل صلح است نه اهل خشونت مگر با مفسدین و سران فساد و تباهی، اخلاق، اخلاق محمدی و روش احمدی صلی الله علیه و آله و سلم است.

یکی از بزرگان در باب ولایت «هادی» گفته است «جزءِ اخیر از عِلّت تامّه». (۴) بدین معنا که اگر اعتقاد به ولایت حضرت علی علیه السلام و ائمه ی دیگر (علیهم السلام تا حضرت مهدی علیه السلام، با اعتقاد به پیامبر و توحید الهی همراه نباشد، این دو اعتقاد، سودبخش و فلاح آور نخواهد بود.

جزءِ اخیر از عِلّت تامّه- یعنی ولایت و امامت- است که باعث «اکمال دین» می باشد همان که قرآن می فرماید {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ} (۵) دین بدون امامت علی علیه السلام مورد رضایت خداوند نبوده و نیست.

ص: ۸۰

۱- ۹۲.. سوره ی رعد، آیه ی ۷. (مراجعه شود به پی نوشت شماره ۱۲ از مقاله ی «آینه ی زیبایی ها»)

۲- ۹۳.. باقی نگهدارنده.

۳- ۹۴.. عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه (علیهم السلام) قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْقَائِمُ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَي مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي». (كمال الدين و تمام النعمه جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶)

۴- ۹۵.. تصوّر کنید دارویی از پنج جزء تشکیل شده، اگر یک جزء آن را نیافتیم، دارو مؤثر نخواهد افتاد.

۵- ۹۶.. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «پس از آن که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مرا گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه ...»، سلمان پرسید: یا رسول الله! این ولایت چگونه ولایتی است؟ فرمود: ولایت او همچون ولایت من است؛ هر که من سزاوارتر از خودش بر او هستم، علی هم نسبت به او این چنین است. در این هنگام آیه ی {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ...} نازل شد. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الله اكبر بر اكمال دين و اتمام نعمت و رضایت پروردگارم به رسالت من و ولایت علی پس از من! عدّه ای گفتند: یا رسول الله! این آیات فقط مخصوص به علی علیه السلام است؟ فرمود: آری، در مورد او و اوصیای من تا روز قیامت می باشد. گفتند: آن ها را به ما معرفی کن. فرمود علی،

برادر و وارث و وصی من و ولی هر مؤمن پس از من است، سپس فرزندانم حسن، سپس فرزندانم حسین و پس از او نه (امام) از فرزندان حسین؛ قرآن با ایشان و ایشان با قرآنند؛ نه قرآن و نه ایشان از یکدیگر جدا نمی شوند تا این که بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند ...». (ینایع المودّه جلد ۱، صفحه ی ۳۴۳ و ۳۴۷) ابوهریره گوید هر کس روز ۱۸ ذی الحجّه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه ی شصت ماه در نامه ی اعمال او بنویسد و این روز، روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت: به به! مبارک باد بر تو یا پسر ابی طالب! ابی سعید خدری گوید: چون این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من! هر که من سرپرست و صاحب اختیار او بودم، علی علیه السلام ولی و صاحب اختیار اوست. خداوند! دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن بدارد و یاری کن هر که او را یاری کند و واگذار هر کس او را واگذارد.» (الدرّ المنتور، جلد ۲، صفحه ی ۲۵۹؛ مناقب خوارزمی صفحه ی ۶ شواهد التّنزیل، جلد ۱، صفحه ی ۲۰۰ به بعد؛ تاریخ مدینه ی دمشق، جلد ۴۲، صفحه ی ۲۳۳)

اگر «واقفی» (۱) شدی، «زیدی» (۲) شدی، مسأله همین است، دین بدون ولایت امام مهدی علیه السلام جزء اخیر از عُلّت تامّه را ندارد. عُلّت تامه ی سعادت و فلاح، توحید، نبوت امامت و قرآن و سنّت به تفسیر و تبیین ولیّ الله الاعظم (عجل الله تعای فرجه الشریف) است.

ای شیعیان! برای چه در دعای ندبه، به «أَيْنَ... آئِن...» گفتن دل می سوزانید؟!

چه گمشده ای دارید؟! ... مگر توحید ندارید؟! مگر به رسالت پیامبر معتقد نیستید؟!

«کتاب الله» آیا کافی نیست؟ می گوئید توحید شرط دارد، رسالت، عُلّت مُبْقِیه می خواهد. کتاب الله مفسّر و مبین لازم دارد. می گویم: درست است. همان جزء اخیر از عُلّت تامه را می گوئید، قرآن هم همین را می فرماید: «إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتُهُ». (۳)

«إِنَّ الْحَسَنُ؟ آئِنَ الْحُسَيْنِ؟ آئِنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ؟» (۴) در این طرق طولانی و این روش های ظلمانی با وجود «ایسم ها» و مکتب های پوشالی، «شافل و میزان» (۵) کجاست؟ نور کجاست؟

«أَيْنَ... آئِن...»، سرگردانی انسان را می رساند، به خصوص انسان این عصر؛ انسان این عصر را بگوئید هر روز ندبه بخواند و هر روز «أَيْنَ... آئِن...» نماید.

رفیق راه کجاست رفیقی که رهرو و ره شناس باشد، رفیقی که با دزدان طریق، رفیق نباشد؟ {حَسَنٌ أَوْلِيكَ رَفِيقًا}. (۶)

ص: ۸۱

۱- ۹۷.. «واقفیه کسانی هستند که بر امامت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) توقّف کرده اند.

۲- ۹۸.. «زیدیّه» کسانی هستند که معتقد به امامت زید بن علی پس از امام سجاد علیه السلام هستند.

۳- ۹۹.. سوره ی نساء، آیه ی ۶۹. اخطب خوارزم در مناقب، صفحه ی ۶ می نویسد: ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود «هنگامی که به آسمان رفتم، از زیر عرش الهی ندایی شنیدم که: علی، پرچم هدایت و حبیب و دوست هر آن کسی است که به من ایمان آورد. ای محمّد! این مطلب را (به مردم) برسان. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زمین آمد، این مطلب را در سینه نگاه داشت، پس فرمان الهی آمد که: ای رسول! آنچه را در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام بر تو نازل شده بیان کن و اگر چنین نکنی رسالت الهی را نرسانده ای و خداوند تو را از (آزار مردم حفظ خواهد کرد)». (شواهد التّنزیل ذیل آیه ی شریفه) از دیگر مدارک عامّه می توان به: اسباب النزول، صفحه ی ۱۳۵؛ الدر المنثور جلد ۲، صفحه ی ۲۹۸؛ تفسیر رازی، ذیل آیه ی شریفه و ... بسیاری دیگر از کتب فریقین اشاره نمود.

۴- ۱۰۰.. دعای ندبه.

۵- ۱۰۱.. عن داود الرّقی قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزوجل: { ... و السّماء رفعها و وضع الميزان } قال - السّماء رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قبضه الله ثمّ رفعه إليه و وضع الميزان و الميزان أمير المؤمنين عليه السلام نصبه لهم

مِنْ بَعِيدِهِ. قُلْتُ { أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ } قَالَ لَا تَطْعَمُوا فِي الْإِمَامِ بِالْعِصْيَانِ وَالْخِلَافِ قُلْتُ { وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ } قَالَ أَطِيعُوا الْإِمَامَ بِالْعَدْلِ وَلَا تَبْخَسُوهُ مِنْ حَقِّهِ». (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه) امام جعفر صادق علیه السلام درباره ی آیه ی شریفه ی ۱۷ سوره ی شوری، فرمود: «میزان، امیرالمؤمنین علیه السلام است ...». (تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه ی ۲۶۵) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود نیز می خوانیم: «السَّلامُ عَلَیْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ». (مفاتیح الجنان) ۶-۱۰۲.. سوره ی نساء، آیه ی ۶۹.

به روایات بنگرید ... رفیق راه «مهدی آل محمد» است. «صالح بعد از صالح» و «صادق بعد از صادق» را در کدام قوم و طایفه و حزب و جمعیت می یابید؟

«أَلَا إِنَّ الْإِسْلَامَ لَا يُزَالُ عَزِيزًا إِلَىٰ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً» (۱) یعنی چه؟

برادران! خواهران! ... دوازده خلیفه ای که باعث سربلندی و آسیب ناپذیری اسلامند کجایند؟

از کدام قوم و طایفه؟

«أَيْنَ ... أَيْنَ ...؟!» راه را با تحقیق پیدا کنید، راهنما را با تحقیق بجوید.

مگر مردم صدر اسلام، وکیل ما بودند که راهنمای دین و امام مبین برای ما تعیین کنند و کدامین این ها صالح و صادق و مصداق «امام مبین» (۲) قرآن بودند؟

آیا می توانید بگویید گذشته ها گذشت؟ مگر گذشته با حال و امروز ما مربوط نیست؟ چرا در معرفی «دوازده خلیفه» سرگردانند؟ خلیفه ای که به اسلام آسیب نرساند و باعث عزت دین باشد کجاست؟

آن که در زمان پیامبر باعث سربلندی اسلام بود، که بود؟ «آیه ی تطهیر» (۳) چه می گوید؟ مَدْرَس امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) بر چه دلالت دارد؟ آیا خلفای بنی امیه و بنی عباس طهارت و صداقتشان به امضای حق رسیده است؟ آیا مبدأ علم و دانش بوده اند؟

أَيْنَ ... أَيْنَ ...؟! بر کدام راه دل بسته اید و در برابر کدام امام سرفروذ آورده اید؟ امام نور یا امام نار؟! ...

ص: ۸۲

۱- ۱۰۳.. مسند ابی داوود، صفحه ی ۱۸۰. در مدرک دیگر عامّه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح این معنا فرمود: «کلهم من بنی هاشم». (ینابیع المودّه، جلد ۲، صفحه ی ۳۱۵ جلد ۳، صفحه ی ۲۹۰)

۲- ۱۰۴.. امام باقر علیه السلام از پدرش از جدّش (علیهم السلام نقل می فرماید که فرمود: «هنگامی که آیه ی {وَكُلَّ شَيْءٍ احْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مَّبِينٍ} (یس، ۱۲) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید، ابوبکر و عمر برخاسته، گفتند: یا رسول الله! آیا منظور از «امام مبین» تورات است؟ فرمود نه. گفتند: آیا انجیل است؟ فرمود نه. گفتند: پس قرآن است؟ فرمود: نه. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آورد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (منظور از امام مبین) این شخص است. او امامی است که خداوند، علم همه چیز را در وجود او جمع کرده است. (تفسیر برهان، ذیل آیه ی شریفه به ضمیمه ی چند روایت دیگر)

۳- ۱۰۵.. به پی نوشت ۸۹ مراجعه فرماید.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

